

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۲۸

جمعه ۱۸ تیر ۱۴۰۰ - ۹ ژوئیه ۲۰۲۱



### همه جا علیه قطع برق دست به تظاهرات بزنید

در این شماره انترناسیونال: شماره صفحه:

۱ همه جا علیه قطع برق دست به تظاهرات بزنید. فراخوان به مردم

۲، ۳ و ۴ اعتصاب کارگران پیمانی نفت به کجا می‌رود؟ شهلا دانشفر

۵، ۶ و ۷ یاد عزیز منصور حکمت گرامی باد! حمید تقوانی

۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ پرونده سازی، زندان و مرگ سهم فعالان محیط زیست در ایران. پیمان پیروز

۱۳ نامه سرگشاده در اعتراض به پیام تبریک شرم آور رئیس جمهور اتریش به رئیس جمهور قاتل جمهوری اسلامی. بهرام سروش

۱۴ و ۱۵ نامه سرگشاده ۳۶ شخصیت سرشناس آلمانی به رئیس جمهور اتریش! مینا احدی

۱۶ و ۱۷ پادکست اندیشه و سیاست: جامعه طبقاتی، دولت و انقلاب اجتماعی. پادکست کاظم نیکخواه

۱۸ بیانیه مشترک جمعی از فعالین جنبش نوین رهایی زن و دیگر جنبشهای اعتراضی در حمایت از اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی

۱۹، ۲۰ و ۲۱ بیانیه بیش از صد نفر از خانواده زندانیان سیاسی، خانواده های دادخواه، زندانیان سیاسی، فعالین مدنی و سیاسی

۲۲ از مدیای اجتماعی حزب

۲۳، ۲۴، ۲۵ و ۲۶ اطلاعیه های حزب

قطع برق زندگی بسیاری از مردم را به جهنم واقعی تبدیل کرده و خشم و اعتراض مردم را برانگیخته است. در روزهای گذشته در تعدادی از شهرها مردم به خیابان آمدند و علیه خامنه ای و حکومت شعار دادند. مقامات حکومت اعلام کرده اند که قطع برق در هفته های آینده نیز جریان دارد. جانین حاکم حتی به فکر تامین ساده ترین نیازهای زندگی روزمره مردم نبوده اند. برده اند و خورده اند و یا صرف دم و دستگاه سرکوب و ترور و مذهب کرده اند و اکثریت مردم را به خاک سیاه نشانده اند. برق و آب و انواع امکانات برای دهها هزار مسجد و هزاران امامزاده و اماکن سرکوب و جاسوسی فراهم کرده اند ولی فکری به حال تامین برق مورد نیاز مردم نکرده اند، فکری به حال تامین آب مردم نکرده اند، فکری به حال زندگی دهها میلیون مردم کارگر و زحمتکش نکرده اند و هر کدام تقصیر را به گردن این مقام و آن مقام و یا به گردن طبیعت می اندازند.

حزب کمونیست کارگری همه مردم به ستوه آمده در سراسر کشور را به تظاهرات سراسری فرامیخواند. حکومت مفتخوران و جنایتکارانی که قادر به تامین ساده ترین نیازهای مردم نیست باید به گور سپرده شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ تیر ۱۴۰۰، ۷ ژوئیه ۲۰۲۱

هیچ بهانه ای قابل قبول

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

## اعتصاب کارگران پیمانی نفت به کجا می‌رود؟ این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



**خلیل کیوان:** اعتصاب کارگران پیمانی نفت همچنان ادامه دارد. آخرین اخبار آن چیست؟ در بخش‌های دیگر نفت چه می‌گذرد؟ عکس‌العمل دولت و کارفرما چه بوده است؟ کارگران با چه مکانیسم‌هایی خود را سازمان می‌دهند؟ شورای پیمانی چه نقشی در رهبری اعتصاب دارد؟ اعتصاب در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ آیا کارگران همچنان این اعتصاب را ادامه خواهند داد؟ با شهلا دانشفر پرسش‌هایمان را در میان می‌گذاریم.

شهلا دانشفر! بیش از دو هفته از اعتصابات نفت می‌گذرد. الان وضعیت چیست؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردید اعتصاب سراسری کارگران پروژه‌ای پیمانی در نفت با قدرت ادامه دارد و مراکز بسیاری را در بر گرفته است. اگر این اعتراضات را با اعتصاب سراسری سال گذشته این کارگران مقایسه کنیم بسیار وسیع‌تر، عمیق‌تر و سازمان‌یافته‌تر است. نزدیک به صد مرکز نفتی در ۱۹ شهر هم اکنون در اعتصاب هستند. از پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها و مراکز دیگر وابسته به نفت هر روز گزارش این اعتراضات منتشر می‌شود. این در حالیست که در جایی مثل عسلویه ۸۹ پتروشیمی وجود دارد که هر کدام سه تا ۴ شرکت زیر مجموعه دارند. بنابراین ابعاد اعتصابات بسیار وسیع است و دهها هزار نفر از کارگران در صنعت نفت هم اکنون در اعتصاب بسر می‌برند. علاوه بر بخش‌های دیگر نفت از جمله کارگران ارکان ثالث یعنی کارگران پیمانی با کار مستمر هستند که شمارشان ۱۰۶

فراتر رفته و کارگران کل این صنعت را در بر گرفته است و این یک اتفاق سیاسی مهم است. کارگر صنعت نفت غولی است که بپا خاسته و در جلوی صف اعتراضات جامعه در حرکت است و توجه همه بخش‌های جامعه را بخود جلب کرده و اعتراضات آنها انعکاس جهانی داشته است.

**خلیل کیوان:** گفتگوهایی که در رسانه‌های مختلف در مورد اعتصابات گسترده در نفت تعقیب می‌کردم. یک پرسشی که در همه اینها مشترک بود اینست که کارگران چگونه توانسته‌اند خود را سازمان دهند؟ من پاسخ جامع و قانع‌کننده‌ای از مصاحبه‌شوندگان نگرفتم. می‌خواهم از شما بپرسم این امر یعنی سازماندهی اعتصابی با چنین ابعاد چگونه میسر شده است؟ کارگران چگونه متشکل شدند؟

**شهلا دانشفر:** این را باید از بازنشستگان پرسید که چطور در تمام شهرها تجمعات سراسری بر پا می‌کنند. این سوال را باید از معلمان هم پرسید که چگونه اعتصابات سراسری راه می‌اندازند. این را باید از رانندگان کامیون و کامیونداران پرسید که همین چند سال پیش اعتصابی بسیار گسترده در شهرهای مختلف در سطح سراسری به راه انداختند. این خصوصیت مبارزات اجتماعی در جامعه ایران است. استفاده از مدیای اجتماعی، سازمانیابی در مدیای اجتماعی، به راه انداختن گفت‌وگو بر سر خواستها و مطالبات خود از همین طریق و سازمانیافتن حول آنها، ابزار مهم این کار است. تا جایی که می‌بینید از دل همین اعتراضات و یا بطور مشخص اعتصابات کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت "شورای سازماندهی اعتراضات نفت" سر بلند می‌کند. در دل این مبارزات نهادهای مختلف مبارزاتی معلمان و بازنشستگان و بخشهای مختلف معترض شکل می‌گیرد. این خصوصیات رادیکالیسم، مدرنیسم و محتوای جنبش‌های اعتراضی

با چه شعارها و بنرهایی به خیابان بیایند و غیره تصمیم‌گیری جمعی می‌کنند. ما این سازمانیافتگی را در اعتراضات مختلف کارگری و بخش‌های مختلف جامعه می‌بینیم. از جمله در تجمعات اعتراضی کارگران بخش رسمی دیدیم که کارگران با دست‌نوشته‌هایی که خواسته‌هایشان را بر روی آن نوشته بودند، فریاد اعتراض خود را بلند کردند. مدیای اجتماعی امروز دارد انقلاب‌ها را سازمان می‌دهد. مدیای اجتماعی در ایران بیشترین کاربران را دارد. تویتر، اینستا، جلسات گسترده بحث در کلاب‌هاوس‌ها، تلگرام‌های وسیع کارگران و همه مردم است. از جمله گروه‌های مبارزاتی‌ای که در تلگرام و واتس‌آپ شکل گرفته‌اند نمونه‌هایی از این سازماندهی مردمی است. به این معنا انواع اپلیکیشن‌های مختلف است و در آنها سرعت جامعه دارد سازمان می‌یابد. جامعه دارد همگرایی پیدا می‌کند و دور خواسته‌های متحد و متشکل می‌شود.

**خلیل کیوان:** اعتصاب اساساً مربوط به کارگران پروژه‌ای پیمانی نفت است، برایمان بگویید که در بخش‌های دیگر نفت چه می‌گذرد؟

**شهلا دانشفر:** در واقع در سوال اول به این مسأله اشاره ای کردم. کارگران پروژه‌ای که الان در اعتصابند در واقع شامل سه بخش کارگران ساده، کارگران وردست و کارگران متخصص و صنعتی هستند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت تأکید کرده است که مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. ضمن اینکه این کارگران در سطوح مختلف تخصصی افزایش دستمزد معینی را طلب می‌کنند و یکسری مطالبات دیگر دارند که اشاره شد. بخش‌های دیگر کارگران ارکان ثالث و قرارداد اصلی آنها حذف پیمانکاران

موجود در جامعه است که می‌بینیم با یک خواسته‌های سراسری رادیکال و انسانی جلو می‌آیند و در اعتراض به فقر، تبعیض و نابرابری دارند سازمان پیدا می‌کنند و قدم به جلو بر میدارند. در نفت هم همین اتفاق را شاهد بوده‌ایم. این کارگران هم در محل کار در رابطه‌های کاری با یکدیگر در ارتباطند و هم از طریق مدیای اجتماعی و شبکه‌هایی که شکل داده‌اند. بدین ترتیب این کارگران تماس‌های خودشان را دارند. گروه‌های مبارزاتی خودشان را دارند و در همین بسترها تصمیم‌گیری‌های مشترک می‌گیرند. به این معنا که در عسلویه، در پالایشگاه‌ها و در همه جا این کارگران از این تماس‌ها و ارتباطات برخوردارند. اینها همه بسترسازمانیابی جنبش‌های اجتماعی و نیز جنبش‌های کارگری در سطح جامعه هستند. بستر سازماندهی و ایجاد تشکل‌های توده‌ای کارگری هستند. از جمله نمونه‌آنها در نیشکر هفت تپه شاهد بودیم. در فولاد اهواز دیدیم و امروز در نفت شاهدش هستیم. بنابراین پاسخ بسیار روشن است.

**خلیل کیوان:** به نقش مدیای اجتماعی اشاره کردید. کمی بیشتر در این رابطه توضیح دهید.

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردم مدیای اجتماعی محلی است که امکان می‌دهد که بدنه وسیع معترضین گرد بیایند. حضور پیدا کنند و در روند مبارزه خود دخالت‌گری حداکثری داشته باشند. مدیای اجتماعی کاری کرده که دیگر تشکل‌های کارگری دست‌ساز، زرد و از بالا نقشی نداشته باشند و به سختی بتوانند کارگر را بدنبال این جناح و آن جناح حکومتی بکشند. به این دلیل روشن که از این طریق همانطور که اشاره کردم بدنه کارگری امکان دخالت پیدا می‌کند. مطالبه‌گر است. معترض است و جلو می‌آید. از طریق همین مدیای اجتماعی بر سر اینکه کجا تجمع کنند، چه خواسته‌هایی را طرح کنند،

ادامه از صفحه ۲

خواستگاری که کارگران با مبارزاتشان به جلو آورده اند خواسته‌های بخش عظیمی از جامعه را در بر میگیرد. از جمله خواست لغو قوانین ویژه اقتصادی و کوتاه شدن دست پیمانکاران، اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد. امنیت محیط‌های کار تامین شود. اینها همه مطالبات بخشی مهمی از طبقه کارگر هستند که همیشه با این تصور که این کارگران تامین هستند. امنیت شغلی دارند و کاری به اعتراض ندارند، در چنین سطح سراسری و گسترده ای بلند شده و با این مطالبات دارد توقعات امروز مردم را از زندگی و معاش شان بیان میکند. بنابراین روشن است که چنین مبارزاتی همه توجهات را بخود جلب میکند و به نقطه امیدی در دل مردم تبدیل شده است. ۶۶

است و آنها نیز در تدارک اعتصاب هستند. از جمله در روز گذشته کارگران ارکان ثالث در عسلویه تجمع داشتند. و بالاخره کارگران رسمی که نحوه افزایشات مزدی و تحمیل مالیات‌های سنگین و عدم ایمنی محیط کار از جمله موضوعات مهم اعتراضاتشان بود که زیر فشار این اعتراضات عقب نشینی‌هایی صورت گرفت و کارگران اعلام کرده اند که تا آخر ما تغییرات لازم در پرداختی‌های آنها صورت نگیرد دوباره دست به اعتراض خواهند زد.

**خلیل کیوان:** عکس العمل‌های کارفرمایان و پیمانکاران و همینطور دولت در مقابل کارگران چه بوده است؟

**شهبلا دانشفر:** اینها شدت به هم ریخته اند. در همین فاصله هیاتی از طرف، مدیرکل بازرسی کار و مسئول هماهنگی امور مناطق آزاد و ویژه وزارت کار، و سرپرست اداره کار استان بوشهر به عسلویه رفتند و از مدیران کل ستادی وزارت نفت نیز کسانی این هیئت را همراهی میکردند. از سوی دیگر نشستی از سوی افرادی از کمپین موسوم به بیست-ده با سعید جلیلی و ستاد رئیسی انجام گرفت. هیات دولت در مورد دیدار افرادی از کمپین ۱۰-۲۰ با ستاد رئیسی با این سوال که واقعا اینها نمایندگانی چه کسانی بوده اند و با چه سندی خود را نمایندند چندین هزار کارگر پیمانکاری معرفی کرده اند، حملات خود را شروع کرده و با گفتن اینکه مگر اداره کار که نهادی دولتی و بالادستی است، می‌تواند به شورای اسلامی کار بدل شود طرف مقابل را زیر سوال بردند که با کدامین مجوز چنین تصمیماتی گرفته اند. و تصمیمات اعلام شده آنها در مورد تشکیل شورای اسلامی کار را غیر قانونی خواندند. از طرف دیگر خود اینها نیز با گفتن اینکه چرا دست پیمانکاران کوتاه نمیشود و اینکه اگر تغییری در دستمزد ها صورت گیرد پیمانکار بعدی می‌آید و آن را به هم می‌زنند و خلاصه با این حرفها ساختارهای خودشان را به چالش میکشند و اینها نیز لب حرفشان تشکیل

شورای اسلامی در نفت است. بدین ترتیب جناحهای حکومتی به جان هم افتاده و دارند پته همدیگر را می‌زنند. این حداز بهم ریختگی در میان حکومتیان نشان دهنده قدرت مبارزات کارگران آنها در مرکز مهمی چون نفت را به نمایش میگذارد که چنین به جان هم افتاده اند. و اینگونه سراسیمه مانده اند که چه بکنند. قبلا هم دیدیم که روحانی گفت مقصر این وضعیت پیمانکاران هستند و نه دولت و زنگنه هم همین حرف را زد و کارگران را به پیمانکاران حواله داد. بدین ترتیب هرکدامشان دارند یک حرف را می‌زنند و کارگران هم ایستاده اند و میگویند کوتاه نمی‌آیند و می‌گویند نه از آن دولت خیری دیدند و نه از این دولت و اجازه نمیدهند مبارزه شان دنبالچه این جناح و آن جناح شود و بر روی خواسته‌های خود مصر هستند. پیمانکاران نیز از یکسو با دست بردن به حربه اخراج از سوی دیگر با تماس گرفتن پراکنده با کارگران میکوشند در صف متحد کارگران اعتصابی تفرقه ایجاد کنند و با تهدید و وعده بخشی از کارگران را راضی به بازگشت به کار کنند و کل اعتصاب را عقب بزنند. از جمله در همین فاصله یکسری کارگران روزمزدی را اخراج کردند. یک سری کارگران را که به دلیل اعتصاب باقی کارگران موادی برای کار نداشتند را جواب کردند. از جمله ۲۰۰۰ نفر رافقط در عسلویه اخراج کردند و ۴۰۰ نفر دیگر در بخشی دیگر و همین امروز در گچساران عده ای از کارگران پیمانی

خارج شدند. در اعتراض به این اخراج‌ها زمزمه‌های برپایی تجمعات اعتراضی بلند شده است و از جمله کارگران اخراجی پالایشگاه آبادان برای بازگشت به کار خود تجمع اعتراضی داشتند. در برابر این تعرضات کارگران ایستاده اند و میگویند اعتصاب سراسری است و در برابر اخراج‌ها هم سراسری اعتراض داریم و خواست بازگشت به کار کارگران اخراجی به لیست مطالباتشان اضافه شده است. و همانطور که اشاره کردم در کنار این اخراج‌ها کردها شروع به تماس گرفتن و پیام دادنها کرده و وعده و وعید ها شروع شده است. در برابر این توطئه‌گری‌ها نیز کارگران حرف خود را زده و اعلام کرده اند که هرگونه توافقی باید کتبی، رسمی و علنی باشد و در عین حال بر روی خواسته‌های اعلام شده خود تاکید کرده اند.

**خلیل کیوان:** یک عکس‌العملی هم از طرف ایلنا این رسانه حکومتی شاهد بودیم. مطلبی داشت تحت عنوان کارگران نفت در محاصره سیاسیون و جالب اینجاست که میگفت باید دست پیمانکاران را کوتاه کرد. و به ظاهر از کارگران داشت دفاع میکرد. موضوع چیست؟

**شهبلا دانشفر:** هر کدام از اینها از خواست کارگران به یک نوعی صحبت میکنند برای اینکه اعتراض کارگر را دستمایه ای کنند برای نزاع‌های درون حکومتی خودشان. ایلنا هم از این مستثنی نیست. اول از خواست کارگران حرف می‌زنند

و بعد حملاتش شروع میشود و میگوید عده ای اعتراض را سیاسی کرده اند. سوء استفاده کرده اند و سوار این اعتراضات شده اند. و با این حرفها عملا اعتصاب کارگران را زیر حمله قرار میدهند و با گفتن اینکه کارگر مطابق قانون کار تشکل ندارند و یا اینکه کارگر بنا بر قوانین بین المللی کار تشکل نداشته است که از حقوقش دفاع کند و غیره نسخه شان نیز ایجاد شورای اسلامی این نهاد سرکوب و دست ساز حکومتی در صنعت نفت است! کارگران پیمانی نفت نیز در بیانیه خود جواب همه اینها را دادند و گفتند شورای اسلامی جواب ما کارگران نیست. دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد. این جواب قاطع کارگران نفت در مقابل ایلناست. در مقابل رئیسی جلال و دارو دسته او، در مقابل دولت و اداره کار و مسئولین منطقه ویژه اقتصادی در مقابل همه دار و دسته‌های حکومتی است. کارگران حقشان را طلب میکنند و همانطور که اشاره کردید موضوع اعتصابات کارگران به موضوع بحث همه مردم تبدیل شده است.

**خلیل کیوان:** یک مساله ای که با آن روبرو بودیم حمایت‌ها و همبستگی‌هاست که بی سابقه بوده است. هم در داخل ایران و هم در سطح بین المللی علت این چیست؟ یک عده ای هم انتظار دارند که این اعتصاب را سیاسی کنند و در واقع با تبدیل آن به یک اعتصاب سراسری کار رژیم را یکسره کنند؟ اول

بگویند علت اینهمه حمایت و پشتیبانی چه بوده است و دوم اینکه آیا این انتظار درست است که با این اعتصابات کارگران بروند که حکومت را ساقط کنند؟

**شهبلا دانشفر:** به نظرم اولین موضوع جایگاه اعتصابات کارگران نفت است. این اعتراضات بی سابقه است. نفت یک مرکز کلیدی اقتصادی است. تاثیر بسیاری در اوضاع سیاسی جامعه و در خود جنبش کارگری دارد. خواسته‌هایی که کارگران با مبارزاتشان به جلو آورده اند خواسته‌های بخش عظیمی از جامعه را در بر میگیرد. از جمله خواست لغو قوانین ویژه اقتصادی و کوتاه شدن دست پیمانکاران، اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون کمتر باشد. امنیت محیط‌های کار تامین شود. اینها همه مطالبات بخشی مهمی از طبقه کارگر هستند که همیشه با این تصور که این کارگران تامین هستند. امنیت شغلی دارند و کاری به اعتراض ندارند، در چنین سطح سراسری و گسترده ای بلند شده و با این مطالبات دارد توقعات امروز مردم را از زندگی و معاش شان بیان میکند. بنابراین روشن است که چنین مبارزاتی همه توجهات را بخود جلب میکند و به نقطه امیدی در دل مردم تبدیل شده است. از همین رو در همین مدت این مبارزات با موجی از حمایت و همبستگی در داخل ایران و در سطح جهان روبرو

ادامه از صفحه ۳

شده است. یک نمونه جالب از همبستگی مردمی این بود که وقتی دیدند پیمانکاران دادن غذا و آب را به کارگرانی که برای تحت نظر داشتن اوضاع و پیگیری مطالبات خود در کمپ‌ها مانده بودند قطع کرده اند، مردم خود اقدام کرده و برای کارگران غذا و آب بردند. از سوی دیگر از سوی بخش های مختلف جامعه خانواده های دادخواه، بازنشستگان، معلمان، دانشجویان، فعالین دفاع از حقوق کودک، دفاع از حقوق زن همه و همه از مبارزات کارگران نفت اعلام حمایت کردند. در سطح بین المللی نیز اتحادیه های مختلف کارگری چون اینداستریال، ۵ کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در فرانسه، اتحادیه های کارگری از عراق، یونیفور در کانادا، انگلستان، ترکیه، و شبکه های همبستگی سندیکایی از کشورهای مختلف در اروپا و آمریکای مرکزی با پیامهای همبستگی خود از خواستها و مبارزات کارگران نفت پشتیبانی کردند. این ابعاد از همبستگی و پشتیبانی آنها در فاصله دو هفته مکان و جایگاه مهم اعتصاب سراسری کارگران نفت را به نمایش میگذارد. بویژه در اوضاع سیاسی امروز بدست این اعتراضات همه توجهات را به خود جلب کرده است. بویژه بعد از مضحکه انتخاباتی حکومت و پشت کردن مردم به حکومت با گفتمان رای ما سرنگونی است و بیرون آوردن رئیس جلال از صندوق های رای، اعتصاب نفت جواب قاطع مردم به این حکومت بود.

اما اجازه بدهید که به قسمت دوم سوال شما بپردازم. روشن است که اعتصاب کارگران نفت یک اتفاق سیاسی مهم است. ولی این کودکانه است که فکر کنیم هر اعتصابی که انجام میگیرد قائم به ذات منجر به سرنگونی حکومت میشود. کارگران وقتی دست به اعتصاب میزنند طبعاً خواسته ای دارند. مطالبه ای دارند و ممکن است یک جایی به بخشی از خواسته هایشان برسند و برگردند سر کار. و خود این میتوانند یک پیروزی بزرگ باشد. تا همین الان اعتصاب کارگران نفت موفقیت های بزرگی برای آنها

در برداشته است. دستاوردهای مهمی هم برای خود این کارگران و هم برای جامعه داشته است. از جمله یکی از دستاوردهایشان ایجاد شورای سازماندهی اعتراضاتشان است. در عین حال گفتمان ها و خواستهایی که با مبارزات خود جلو آورده اند یک قدم بزرگ مبارزات آنها و جنبش کارگری را جلو آورده است. کارگران با چنین اعتصاب قدرتمندی نیروی خود را بیشتر دیده و اعتماد به نفس مبارزاتی شان بالاتر رفته است. صفشان متحد تر شده است. بر فضای پادگانی نفت تا اندازه زیادی غلبه پیدا کرده اند و به نظر من کارگر نفت امروز به موقعیت سال 57 برگشته است. شعار کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما را جلو آورده است و همه اینها اتفاقات بسیار مهمی است. همانطور که اشاره کردم ممکن است اکنون کارگران در اینجا و آنجا به توافقاتی برسند و هر کدام از این موفقیت ها یک پیروزی برای کارگران است و میتواند الگو شود برای بخش های دیگر و یک سطحی از دستمزد و بهبود شرایط کار را تثبیت کند و آن وقت باید این پیروزی را به رسمیت شناخته و جشن گرفت. همانطور که کارگر نیشکر هفت تپه وقتی موفق به خلع ید از اسدیگی سردسته باند مافیایی حاکم بر شرکت شد، آن را جشن گرفت. و همانطور که خودشان اعلام کردند این اولین قدم برای پیگیری خواسته های اساسی دیگرشان بود. و در آنجا هنوز جدال بر سر خواسته های ادامه دارد. بنابراین وصل کردن هر اعتصابی مستقیم به سرنگونی بشدت اشتباه است. اما وقتی به لحاظ تحلیلی به موضوع نگاه کنید معلوم است که در جامعه ای که دارد چنین از اعتراض میجوشد، همین دیشب برقها قطع شده بود و دیدید چطور مردم در چندین شهر بیرون ریختند و شعار ضد حکومتی دادند. مرگ بر خامنه ای گفتند. همینطور می بینید معلم تجمع میکند. بازنشسته تجمع میکند، کولبر اعتراض دارد و همه مردم در جدال هر روز با این حکومت وحشی و جنایتکار هستند. جمهوری اسلامی همه بخش های مردم را زیر آنچنان فشاری قرار داده است که الان جامعه یک کوه انفجاری

است. به این اعتبار اعتصابی با این عظمت، با این قدرت و در این مرکز کلیدی اقتصادی یک گام بزرگ در جنبش سرنگونی است. یک گام بزرگ در پیشبرد اعتراضات کل جامعه است. یک گام بزرگ در جنبش کارگری است. به جلو گام بر میدارد و برای رفتن بسوی اعتصابات سراسری و سازمان یابی اعتراضات راه نشان میدهد. ممکن بودن اعتصاب سراسری و فراتر از آن عمومی را فراهم میکند. به همین دلیل فراخوان ما به کارگران اینست که برای حمایت از کارگران اعتصابی نفت دست به حمایت عملی زد. یعنی اعتصابات حمایتی باید به این اعتصابات پیوست. به خصوص پیوستن بخش های حمل و نقل و ترابری و نفتکش ها به این اعتصابات بسیار مهم و کلیدی است. همینطور بخش های دیگر جامعه. خوشبختانه جامعه دارد این وضعیت را با هوشیاری دنبال میکند و همانطور که اشاره کردید ما امروز شاهد حمایت های وسیع مردمی هستیم.

**خلیل کیوان:** کارگران متشکل بودند. توضیح دادید که به چه شکلی خودشان را متشکل کردند. در همین رابطه ما شاهد یک رهبری تحت عنوان شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت هستیم. جایگاه این شورا در رهبری مبارزات نفت را چطور می بینید؟

**شهلا دانشفر:** همانطور که اشاره کردم یکی از دستاوردهای مبارزات کارگران نفت همین شورای سازماندهی آنهاست. طبعاً این شورا یک روزه از زمین سبز نشده است. گفتمان اداره شورایی با اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه جلو آمد. جامعه توجه اش به این سمت رفت. به همین دلیل کارگران نفت که تجربه شورا ها در سال 57 را دارند و نفت مرکز این شوراها بوده است. روشن است که در چنین شرایطی اولین کاری که انجام دهند دست به کار شدن تشکیل چنین نهادی است. و این اولین قدم است. اما این شورا باید پا بگیرد. باید وسیعاً نیرو جذب کند. باید همه بخش های کارگران نفت به آن پیوندند. از جمله در بیابانه اول ماه مه همین کارگران غیر

رسمی نفت گفته بودند که ما برده نیستیم و اجازه نمیدهیم که از بالای سرمان تصمیم گیری شود. میخواهیم خودمان با اداره شورایی تصمیم بگیریم. همانطور که کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کردند و سنگ بنای اولیه آنرا گذاشتند. بدین ترتیب کارگران نفت شورای خود را اعلام کردند. جایگاه شورا، جایگاه دخالت حداکثری کارگران در روند مبارزاتشان است. جایگاه آن به میدان آمدن توده عظیم کارگری و اعمال اراده مستقیم شان است. وقتی توده کارگری به میدان می آید و دخالت حداکثری میکند آنوقت خطر اینکه در میان آنها تفرقه افکنی شود، خطر اینکه مبارزه آنها به دنبال این بخش و آن بخش حکومتی کشیده شود، خطر اینکه سرکوب شود کمتر میشود و نیز برای اینکه امنیت و ادامه کاری آن بیشتر داشته شود کلیدی و مهم است. و این دستاورد مهمی است و باید به آن ارج گذاشت و حفظش کرد.

**خلیل کیوان:** می بینیم که به شکل خیلی روشن و دوراندیشانه ای شورای سازماندهی اعتراضات خواسته های کارگران را به نحوه خیلی روشنی فرموله میکند و پیش پایشان میگذارد. اعتصاب نمیتواند تا ابد ادامه داشته باشد. تا کی فکر میکند این اعتصاب ادامه داشته باشد؟

**شهلا دانشفر:** طبعاً این را ما نمیتوانیم تعیین کنیم که اعتصاب تا چه زمانی ادامه خواهد داشت. تا وقتی که بالاخره به یک جواب معقولی کارگران برسند. به نظر من بطور مثال فرض کنید که پیمانکاران در جایی بیایند و بگویند که کارگران همین است که توافقات رسمی، کتبی و علنی باشد. و آن مبنایی که برای مذاکره داشته اند اگر مورد توافق قرار گیرد طبعاً به عنوان اولین پیروزی خود در نظر میگیرند. و طبعاً بقیه بخش ها هم این موفقیت را تبعیت خواهند کرد. فرض کنید بخش فیلرها، فرض کنید بخش رنگ کارها و هر بخشی از اینها که به یک توافقی میرسند فرض کنید اگر امروز ۱۵ میلیون می گیرند توافق شود که ۲۰ میلیون مزد پرداخت

شود. این خود یک پیشرفت خواهد بود و مبنایی میشود برای همین کارگران در شرکت های دیگر که به پایین تر از این میزان حقوق رضایت ندهند. آنوقت این را به عنوان اولین گام موفقیت خود به رسمیت می شناسند و در موقعیت بهتری دیگر مطالبات خود را پیگیری میکنند. بویژه وقتی دستمزدها چنین افزایشی پیدا میکند. وقتی با خواست ۲۰ روز کار و ده روز مرخصی کارگران موافقت میشود و همینطور دیگر مطالبات کارگران مطمئن باشید این فشاری میشود بر روی پیمانکاران و قدمی است در جهت کوتاه کردن دست پیمانکاران از محیط های کار. به عبارت روشنتر بدست آوردن هر کدام از این مطالبات. افزایش دستمزدها در تمام رده های تخصصی و اینکه دستمزد هیچ کارگری کمتر از ۱۲ میلیون نباشد، پرداخت بواقع حقوقها، بهبود شرایط زیستی و کاری کارگران، ایمنی محیط کار همه و همه جمع کردن بساط پیمانکاران این ها همه قدمهایی در جهت بیرون کردن پیمانکاران از محیط های کار است. تضمین اجرایی شدن آنها نیز حضور فعال اعتراضی خود کارگران است. هر قدمی که تخلف شد کارگران باید بپرد جلو و اجازه ندهد. در این پروسه است که پیمانکار می فهمد برای صرف ندارد و مجبور به ترک کار میشود. در این پروسه است که پیمانکاران بیرون انداخته میشوند. از همین رو کارگران بدست خواستار برچیده شدن پیمانکاران هستند. قوانین ویژه اقتصادی لغو و قدمهای اجرایی آن نیز پیش گذاشتن همین مطالباتی است که جلو آورده اند.

**خلیل کیوان:** من اینطور متوجه شدم که اگر کارگران به خواسته هایشان برسند اعتصاب پایان می یابد. یعنی موفقیت آمیز به پیش رود و سرکوبی صورت نگیرد و ترفند های دیگری مانع پیشبرد مبارزات آنها نشود.

خیلی ممنون که در این برنامه شرکت کردید.

## یاد عزیز منصور حکمت گرامی باد!



۴ ژوئیه ۲۱ مصادف با نوزدهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت است. منصور حکمت کمونیسم زنده و پویا و فعالی را نمایندگی میکرد که هنوز، نوزده سال بعد از درگذشتش، تازه و شاداب و حتی بیش از پیش راهگشا و مربوط به شرایط سیاسی امروز در ایران و در سطح جهانی است.

دوسال قبل حزب ما جزوه ای تحت نام "از گروه فشار تا حزب سیاسی" شامل پنج مقاله و سخنرانی از منصور حکمت منتشر کرد. این نوشته ها عبارتند از: حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی، جنبش سلبی و اثباتی، آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است، این حزب شما است، و سخنرانی در گوتنبرگ سوئد.

حمید تقوایی

۳ ژوئیه ۲۰۲۱

مطالعه این جزوه را به همه کسانی که خود را کمونیست میدانند و یا خواهان آشنائی با متد و شیوه تفکر منصور حکمت و حزب کمونیست

## منصور حکمت و کمونیسم سیاسی

این نوشته بر مبنای سمیناری تحت همین عنوان تدوین شده است. بخشهایی خلاصه شده اند و پاراگراف هایی اضافه شده است.

ای، ایدئولوژیک و مکتبی، کمونیسم های مبتنی بر صرفا عقیده و موضعگیری و مرزبندی تعریف میشود. این نوع کمونیسم های غیرسیاسی هم جزئی از جنبشها و شاخه های مختلف کمونیسم غیر کارگری هستند و در جنبش ناسیونالیستی چپ ریشه دارند ولی در این بحث من وارد این جنبه نمیشوم و سعی میکنم غیر سیاسی بودن فرقه های ایدئولوژیک را با نشان دادن و بی ربط بودن آنان به مبارزه طبقاتی در عرصه های مختلف باز کنم و توضیح بدهم.

منصور حکمت اولین بار در سال ۹۹ در نوشته ای تحت عنوان "حزب و جامعه: از گروه فشار تا حزب سیاسی" نقد خود را از کمونیسم های فرقه ای - ایدئولوژیک مطرح

آرمانهای انسانی و زندگی و مبارزات روزمره کارگر و توده مردم را نشان دهد. در نزدیک به دو دهه ای که از مرگ منصور حکمت میگذرد تحولات زیادی رخ داده که حقانیت و ضرورت و مطلوبیت کمونیسمی که او معرفی میکرد را به وضوح نشان داده است. ضرورت و مطلوبیت کمونیسم، مارکسی، کمونیسم مانیفست، کمونیسمی که از ابتدا قرار بود کارگری باشد و سیاسی باشد.

وقتی از "کمونیسم سیاسی" صحبت میکنیم نکته اول این است که در تمایز از چه نوع کمونیسمی صفت سیاسی را بکار میبریم؟ کمونیسم کارگری در تمایز از کمونیسم هایی بود که به طبقه کارگر متعلق نبودند، غیرکارگری بودند، کمونیسم نوع چینی، نوع روسی، کمونیسم چریکی و غیره. کمونیسم سیاسی در تمایز از کمونیسم های فرقه

که مارکس مطرح کرد و در مانیفست کمونیست بیان شده و احزابی مثل بلشویکها در روسیه نمایندگی میکردند ادامه می یافت نه به صفت کارگری و نه به صفت سیاسی نیازی نبود. ولی متاسفانه این اتفاق نیفتاد. نیروهای ناسیونالیستی استقلال طلب و صنعتی گرا در کشورهای تحت سلطه خود را کمونیست نامیدند و در روسیه و کشورهای اروپای شرقی نیز تحت نام کمونیسم نوعی نظام سرمایه داری دولتی شکل گرفت که شکست خورد و فروپاشید و نیروهایی که به این کمپ متعلق بودند هم دوره شان به پایان رسید. در این شرایط کاملا ضروری بود که شخصی مثل منصور حکمت پرچم کمونیسم کارگری را در تمایز از کمونیسم روسی و چینی و غیره بلند کند و حقانیت و مطلوبیت کمونیسم و رابطه آن با خواست و



حمید تقوایی

سیاسی بودن کمونیسم بدیهی به نظر برسد. واضح است که کمونیسم مستقیما به سیاست مربوط است و خصلتی سیاسی دارد ولی همانطور که کمونیسم کارگری هم یک بدیهیت است و با این حال صفت کارگری لازم است تا کمونیسم واقعی را از انواع کمونیسم های بورژوائی جدا کند، کمونیسم سیاسی هم در تمایز از کمونیسم های مطرح میشود که ایدئولوژیک و فرقه ای و مکتبی اند. البته اگر نظرات و خط و سیاستی

مناسبت این سمینار، هجدهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت است. هجده سال است که او را از دست داده ایم و هر سال در سالگرد درگذشتش او را بزرگ میداریم و درباره نقش برجسته اش در جنبش کمونیستی و نظرات و دستاوردهایش صحبت میکنیم. در این سمینار قصد من توضیح خصلت سیاسی کمونیسم منصور حکمت است.

ممکن است در نگاه اول

ادامه از صفحه ۵

میکند. منظور او از گروه فشار "فرقه های عقیدتی" و "محافل فکری" هستند که قدرت سیاسی و "تأثیر گذاری بر معادلات قدرت" در یک جامعه بر نظر و عملشان حاکم نیست. غیر اجتماعی و بی ربطی به تحولات سیاسی زنده در جامعه نیز یک خصوصیت دیگر چنین نیروها ئی است. این ویژگی را نیز منصور حکمت با استعاره "کاهنان سرخپوش معبد تاریخ" بیان و نقد میکند.

منظور از کمونیسم غیرسیاسی چنین فرقه ها و محافل هستند. کمونیسم کارگری، کمونیسم منصور حکمت، اساسا در تمایز از شاخه های مختلف کمونیسم بورژوائی و در نقد عمیق آنها خود را تعریف میکند و کمونیسم عقیدتی- مکتبی خود شکل معین و متاسفانه رایجی از کمونیسم غیر کارگری در زمانه ما است. شاخه های سیاسی و اجتماعی کمونیسم بورژوائی نیز وجود دارند ( کمونیسم چینی و روسی دو نمونه بارز کمونیسم های غیر کارگری اما سیاسی و اجتماعی هستند). به عبارت دیگر هر نیروی کمونیسم بورژوائی لزوما غیر سیاسی و مکتبی نیست ولی هر کمونیسم مکتبی ای قطعا به کمپ کمونیسم بورژوائی متعلق است.

### درک متافیزیکی کمونیسم مکتبی از مبارزه طبقاتی

اولین وجه تمایز کمونیسم سیاسی و غیرسیاسی درک و تلقی و تبیین آنها از یک پدیده و مقوله پایه ای یعنی از مبارزه طبقاتی است. کمونیسم سیاسی از نظر متدولوژیک و در نحوه ای که مبارزه طبقاتی را می بیند و تبیین میکند و بر آن مبنا مبارزه و فعالیت میکند کاملا از کمونیسم غیر سیاسی و مکتبی که او هم معتقد است طبقه کارگر را نمایندگی میکند متمایز است. یک خصیصه کمونیسم های مکتبی اینست که بقول منصور حکمت "دوز بالائی" از آگاهی و وقوف به طبقاتی بودن مبارزه را وارد مبارزه طبقاتی میکنند. گویا طبقات و بطریق

اولی فعالین و اکتیویستها و توده مردمی که در مبارزه درگیرند میدانند که مشغول مبارزه طبقاتی هستند. بر این امر آگاهند که دارند با طبقه مخالف خود میجنگند. و بدون این آگاهی و وقوف مبارزه کنندگان، مبارزه طبقاتی نخواهد بود. با این درک، مارکسیسم بعنوان علم رهائی طبقه کارگر و نظریه ای که مبارزه طبقاتی را تبیین کرده و نشان داده تاریخ جوامع بشری تاریخ مبارزه طبقاتی است و غیره تبدیل میشود به پیش شرط مبارزه طبقاتی! به نحوی که گویا قبل از اینکه مارکس از مبارزه طبقاتی صحبت کند در تاریخ چنین مبارزه ای وجود نداشته است!

این متافیزیسمی است که گمان میکند یک پدیده با آگاهی بر آن موجودیت پیدا میکند. اگر شما مواضع کمونیسم های غیر سیاسی را در برخورد به اوج مبارزه طبقاتی یعنی به انقلاب بررسی کنید میبینید انقلاب تبدیل میشود به مبارزه بین چپها و غیر چپها، بین کمونیستها و غیر کمونیستها، یا بین پیروان مارکس و مخالفین مارکس. گویا اولاً قبل از مارکس انقلابی وجود نداشته است و ثانیاً بعد از مارکس هم تنها تحولی شایسته نام انقلاب است که رهبرش مارکسیست باشد. گویا مارکس گفته است انقلاب پدیده ای است تحت رهبری پیروان من! و اگر چنین نباشد تحول هر اندازه هم که زیر و رو کننده باشد انقلاب نیست.

انقلاب خود یک نقطه اوج و یا بروز خیلی آشکار مبارزه طبقاتی است. و کسی که با درک ذهنی از مبارزه طبقاتی آگاهی را به پیش شرط تبدیل میکند، در برخورد به انقلابات به پاسیفیسم کامل مبتلا میشود. یک پدیده عینی را چون با ذهنیاتشان منطبق نیست و با معیارهای ذهنیشان خوانائی ندارد رد میکنند و نمیپذیرند و در نتیجه نقش و وظیفه ای نیز برای خود قائل نیستند. در برخورد کمونیسم غیر سیاسی به عرصه های دیگر مبارزه هم این متافیزیسم حاکم است.

یک نتیجه دیگر این نوع نگرش، محدود کردن مبارزه طبقاتی به صرفا مبارزه کارگران است. مبارزه طبقاتی محدود میشود به مبارزه کارگران برای مطالبات صنفی شان و یا حداکثر علیه دولت و کارفرمایان برای احقاق خواسته هایشان. در این دیدگاه مثلا مبارزه علیه مذهب و یا مبارزه زنان علیه تبعیض جنسیتی امری طبقاتی نیست. گویا سلطه مذهب بر دولت و جامعه و یا ستمکشی زن به طبقات و به سلطه یک طبقه بر طبقه دیگر مربوط نیست. شکل فرموله شده و تئوریزه شده این تفکر تقسیم بندی مسائل و عرصه ها و مبارزات به دموکراتیک و سوسیالیستی است و آن مبارزاتی که دموکراتیک ارزیابی میشوند طبقاتی نیستند و یا اگر باشند اصلاح طلبانه و رفرمیستی و حاشیه ای اند و حداکثر میشود حمایت مشروط از آنها کرد و یا رگه های کمونیستی را در آنها تقویت کرد.

این علی العموم برخورد چپ غیر سیاسی به مبارزات جاری بخشهای مختلف جامعه است. در این دیدگاه کارگر اولاً فقط یک صنف تولید کننده است. گویا کارگر به عنوان زن یا بعنوان مهاجر یا فرد منسوب به ملیت و مذاهب مختلف و کلا بعنوان شهروند درد و مسئله ای ندارد و در نتیجه ثانیاً مبارزه و اعتراضش هم فقط به کارخانه محدود میشود. وقتی از این زاویه به مبارزات نگاه کنید مبارزه طبقاتی محدود میشود به در صد کوچکی از آن کشمکش عظیم طبقاتی که در جامعه جریان دارد.

بقول منصور حکمت کلمه مبارزه ترجمه خوبی برای لغت struggle که در انگلیسی برای مبارزه طبقاتی بکار میرود نیست. کشمکش یا تخاصم و درگیری طبقاتی ترجمه مناسب تری است. این کشمکش هم در سطح فرهنگ و هنر و ادبیات و در فیلم و تئاتر و موزیک جریان دارد و هم در سیاست و اقتصاد و مسائل اجتماعی. این کشمکش طبقاتی تعطیل ناپذیر است و به آگاهی و وقوف افراد هم هیچ ربطی ندارد.

در برخورد کمونیسم مکتبی به اکتیویستها و فعالین جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه نیز این برخورد ذهنی را میبینید. فعالین درگیر در یک حرکت اعتراضی را نه بر مبنای نقش و جایگاه عملی شان بلکه از نظر تعلق فکری عقیدتی شان می سنجدند و قضاوت میکنند و خود آن حرکت نیز بر مبنای نظرات و مواضع اکتیویستهایش ارزیابی میشود. در ذهنیت وارونه کمونیسم مکتبی اینکه یک حرکت و جنبش اعتراضی چه مضمونی دارد و چه خواستها و اهدافی را دنبال میکند کاملاً تحت الشعاع اینکه فعالیتش چه عقاید و گرایشاتی دارند قرار میگیرد. کمونیسم غیر سیاسی همانطور که خود را بر مبنای عقاید و مواضع رادیکال و چپ میداند، جنبشها و حرکتهای اعتراضی را نیز بر مبنای عقاید غیر کمونیستی فعالیتش، غیر انقلابی و راست و غیر قابل حمایت ارزیابی میکند. مبنای هر دو برخورد ذهنی و مکتبی و بی ربط به واقعیت است. یکی از فاکتورهائی که باعث میشود کمونیسم فرقه ای کاملاً پاسیو باشد و صرفاً به مجموعه ای از نظرات و مواضع تنزل پیدا کند همین درک اسکولاستیکی و متافیزیکی از مبارزه طبقاتی و از فعالین در عرصه های مختلف این مبارزه است.

از نظر ما، از نظر کمونیسم سیاسی، مبارزه طبقاتی یک کشمکش هر روزه است که در تمام سطوح و روندها و تحولات فکری و اجتماعی و سیاسی، حتی در دعوای داخلی حکومتی ها و احزاب حکومتی در همه کشورها، میتوانید رد پایش را ببینید. این تبیین جامع از مبارزه طبقاتی در تمامی آثار منصور حکمت، بویژه در "تفاوتهای ما" و در سمینار اول و دوم کمونیسم کارگری به روشنی مورد بحث قرار گرفته و توضیح داده شده است. بقول منصور حکمت حتی در فرهنگ و در هنر و ادبیات و در ارزشها و اخلاقیات و غیره می بینید که دو نگرش هست، دو تفکر هست، دو انتظار و توقع هست، دو رشته ارزشها و آمال و آرزوها هست که به یکی چپ اطلاق میکنیم

و به دیگری راست و این بازتاب کشمکش طبقاتی بین دو طبقه اصلی جامعه در همه سطوح است.

این معنی واقعی و عینی مبارزه طبقاتی است. وقتی مارکس میگوید مبارزه طبقاتی تاریخ را میسازد منظورش این است و نه فقط آن مقاطعی که کارگر اعتصاب میکند و یا انقلابات در میگیرد. در مواقعی هم که ظاهراً همه چیز آرام است، در شرایطی که انقلابی و یا اعتراضات اجتماعی چشمگیری هم وجود ندارد، تخصص طبقاتی تعطیل نمیشود. در هر حال آنچه تعیین کننده است و دولتها و دیکتاتورها و پارلمانها و ارگانهای حاکم در جامعه را وادار میکند این یا آن سیاست را اتخاذ کنند و این یا آن موضع را بگیرند کشمکش است که بقول مارکس گاه پنهان گاه آشکار در جامعه جریان دارد. در دوران انقلاب یا وقتی جنبشهای اجتماعی عظیمی شکل میگیرند، مبارزه طبقاتی آشکار شده است. ولی در شرایط "آرام" هم مبارزه طبقاتی جریان دارد. این دید جامع از مبارزه طبقاتی نقطه شروع در دستور گذاشتن یک پراتیک وسیع برای کمونیستها است.

### کمونیسم پراتیک

کمونیسم سیاسی کمونیسم پراتیک است. سیاست، برخلاف تصور چپ مکتبی، فقط موضعگیری و اعلام مواضع نیست. فقط عقیده داشتن که چیزی خوب است و یا بد است و ابراز عقیده کردن و حتی تحلیل و بررسی کردن کافی نیست. این شاید برای آکادمیسینها، تاریخ نویسان، برای ناظرین تاریخ و کسانی که میخواهند تاریخ را قضاوت و ارزیابی کنند و یا برای نسلهای بعدی بنویسند و به میراث بگذارند، کافی باشد ولی برای کمونیسم سیاسی این فقط نقطه شروع است. عقیده ما، تبیین ما، درک ما و ارزیابی ما از تحولات و پدیده ها کام اول است و اهمیت تعیین کننده

ادامه از صفحه ۶

که یکدیگر را به ارتداد و کفر و غیره متهم میکنند.

کمونیسم کارگری کلا مقوله رویزیونیسم را کنار میگذارد. منصور حکمت و کمونیسم او معتقد است اگر کسی بنام کمونیسم اهداف و آرمانهای غیر کارگری را دنبال میکند، در واقع لباس کمونیسم را بر تن جنبش دیگری کرده است. مساله بر سر جنبشها با اهداف و آرمانهای مختلف است. پراتیک از همینجا وارد تحلیل کمونیسم کارگری میشود. وقتی به گرایشها و افرازی مثل استالین و استالینیسم و ماو و ماوئیسم و غیره میرسیم مساله این نیست که چه کسی مارکس را خوب فهمیده است یا نفهمیده است، بلکه بحث بر سر اینست که مکان عینی هر نیرو در مبارزه طبقاتی در آن مقطع چیست؟ به چه جنبشی متعلق است؟ چه هدف و آرمانی داشته است؟ به کجا میخواهد برود؟ تئوری بعدا وارد میشود. اینکه هر نیروی چطور خودش را توضیح میدهد و سیاستهایش را تئوریزه میکند یک بحث است و اینکه بطور عینی و واقعی چه نقشی ایفا میکند بحث دیگری است. اگر در حزبی، فرض کنید حزب کمونیست چین و یا حزب کمونیست شوروی، اختلافات نظری و یا فراکسیون و انشعاب و غیره شکل میگیرد به این خاطر است که پراتیکهای مختلفی را در دستور حزب میگذارند. و نه به این خاطر که نظرات همدیگر را خوب نفهمیده اند. مساله این نیست که مثلا استالین نظرات لینن یا مارکس را خوب نفهمیده بود و یا در آنها تجدید نظر کرده بود.

این تبیین و تحلیل از گرایشها و احزابی که چپهای فرقه ای با رویزیونیسم و انحراف از اصول مارکسیسم، توضیح میدهند در بحثهای منصور حکمت در نقد تجربه شوروی (بولتنهای مارکسیسم و مسئله شوروی ۸۶-۱۹۸۵) به تفصیل توضیح داده شده است. بقول خود منصور حکمت این شیوه نقد تجربه شوروی خود نقطه شروع و مبنای خط و جهت گیری و خط فکری ای بود که چند سال بعد به طرح نظرات کمونیسم

ای هم دارد ولی اگر همین جا متوقف بشویم کمونیست نیستیم. میتوانیم در سطح تبیین و تحلیل و نظر متوقف شویم و یک متفکر و تحلیلگر و یا یک هنرمند مارکسیست مطلع و باسوادی هم باشیم ولی سیاسی نیستید. در مبارزه طبقاتی تفسیر دنیا بدر کسی نمیخورد. بقول مارکس بحث بر سر تعبیر دنیا است و نه تعبیر آن.

پراتیک در محور کمونیسم سیاسی قرار دارد. منصور حکمت به تبع مارکس کمونیسم کارگری را "ماتریالیسم پراتیک" مینامد. و در نوشته ها و سخنرانی های متعددی بر دخالتگری و عمل و پراتیک به عنوان یک رکن مهم کمونیسم کارگری تاکید می کند.

کمونیسم غیرسیاسی حتی جنبشها و احزاب و شاخه های مختلف کمونیسم را نه بر اساس جایگاه و نقش اجتماعی و عینی آنها بلکه بر مبنای عقاید و نظراتشان ارزیابی میکند. بعنوان مثال برخورد کمونیسم فرقه ای به شاخه های دیگر کمونیسم بورژوازی که در قرن بیستم، بخصوص بعد از انقلاب اکتبر، شکل گرفتند بر مبنای اعتقادات و مواضع و نظرات آنها بود. احزاب و نیروهای سیاسی بر مبنای اینکه مثلا در قبال انقلاب اکتبر و کمونیسم روسی و یا ماوئیسم و تروتسکیسم و مشی چریکی و غیره چه موضعی داشتند قضاوت و طبقه بندی میشدند و نه بر اساس جنبشها و تحولات عینی که در آنها دخیل بودند. اینکه هر حزب یا نیروی سیاسی خودش چکاره بوده است، و در یک جنبش عینی و یا انقلاب و حرکت اعتراضی چه نقش و جایگاهی داشته است، اینها اصلا مطرح نیست. هر سازمان و حزبی بر مبنای اینکه چقدر به موازینی که از نظر کمونیسم مکتبی جزو اصول است وفادار مانده یا نمانده است قضاوت میشود. معیارشان اینست که احزاب و نیروها چقدر از نظرات مارکس دور شدند و یا نشدند؛ رویزیونیسم بودند یا نبودند. درست مثل پیروان مذاهب

کارگری منجر شد.

در محور کمونیسم پراتیک منصور حکمت تبیین جنبشی از مبارزه طبقاتی قرار دارد. منصور حکمت کمونیسم را قبل از هر چیز یک جنبش اجتماعی میدانند و در برخورد به احزاب و سازمانها و نیروهای سیاسی نیز از جنبشها شروع میکنند. اینکه هر کس و هر حزب و نیروی سیاسی چه خصیله و ماهیتی دارد و چه سیاستها و اهدافی را دنبال میکند ناشی از موقعیت او در جنبشهای طبقاتی است. بعنوان نمونه ماو از نظر ما به جنبش مدرن و صنعتی کردن چین متعلق است. او کسی بود که میخواست نظام نیمه فئودال نیمه مستعمره چین را در هم بکوبد، چین را مستقل و صنعتی کند و به این هدف هم رسید. این جوهر ماوئیسم است. اگر به اسم مارکس صحبت میکند به این خاطر است که در آن دوره بعد از انقلاب اکتبر مارکسیسم و کمونیسم اعتبار و محبوبیت جهانی و توده ای داشته است ولی بطور عینی باید جایگاه ماو و ماوئیسم را با جنبش اش تشخیص و توضیح داد نه مثلا با کتاب درباره تضاد. کلا برای نقد و شناخت عمیق نظرات و تئوریهها و سیاستها باید ابتدا جنبش و پایه عینی و اجتماعی آنها را بازشناخت. از نظر پراتیکی هم جایگاه و نقش جنبشها تعیین کننده است. برای کمونیسم دخالتگر و پراتیک بحث از چه باید کرد شروع میشود و برای پاسخ به این سؤال باید جنبشها و حرکتها عینی اجتماعی را بشناسید و جایگاه خودتان را آنجا پیدا کنید.

### قدرت سیاسی

فاکتور سوم در تمایز ما از کمونیسم غیرسیاسی که خود از دو فاکتور جامع و ایزکتیو دیدن مبارزه طبقاتی، و ماهیت عملی و پراتیکی و دخالتگرانه کمونیسم کارگری ناشی میشود، اهمیت و جایگاه کسب قدرت سیاسی است. هدف و استراتژی ما خلع ید سیاسی از بورژوازی و تصرف قدرت سیاسی است. برای

رسیدن به این هدف هزار و یک کار باید کرد و در هزار و یک جنبش و اعتراض و اعتصاب و مبارزه باید شرکت و دخالت کرد. ولی در همه این فعالیتها امر و هدف استراتژیک یک حزب کمونیستی اینست که از بورژوازی خلع ید سیاسی کند. این جوهر کمونیسم سیاسی و جوهر حزب است.

منصور حکمت میگوید حزبی که تصرف قدرت سیاسی بر سیاستها و تاکتیکها و فعالیت های روزمره اش و بر تفکر و چشم اندازش ناظر نباشد و سیاستهایش معطوف به قدرت سیاسی نباشد حزب نیست بلکه حداکثر یک گروه فشار است.

کمونیسم های مکتبی در مورد قدرت سیاسی هم، مثل همه پدیده های دیگر، صرفا موضع معینی دارند. اساس موضعشان هم اینست که طبقه کارگر باید خودش قدرت را بگیرد. اینکه چطور و با چه شیوه ای باید این اتفاق بیافتد و نقش کمونیستها در این میان چیست و غیره معلوم نیست. درست است، طبقه کارگر باید قدرت را بگیرد ولی کمونیستی که خود را جزئی از جنبش طبقه کارگر برای تصرف قدرت سیاسی نمیبیند تنها طبقه را از قدرت دور میکند! قدرت سیاسی را به طبقه احاله میکنند و خودشان را بی وظیفه میکنند. بقول منصور حکمت تصرف قدرت سیاسی حلقه گذار از تعبیر دنیا به تعبیر دنیا است. کمونیسم غیر سیاسی که همه زندگی اش تعبیر و تفسیر است این حلقه را لازم ندارد.

### اهمیت تعیین کننده مبارزه برای سرنگونی

معطوف و متمرکز بودن بر تصرف قدرت سیاسی در استراتژی و سیاستها و عملکرد هر روزه کمونیسم کارگری ما را به اهمیت محوری و تعیین کننده امر سرنگونی و مبارزه برای سرنگونی میرساند. یک وجه مهم نظرات و نوشته ها و سمینارهای منصور حکمت بازشناسی و معرفی جنبش سرنگونی و خصوصیات آنست. نقد و مقابله بی امان

با تز استحاله و نیروهای دو خردادی، تمرکز بر بی افقی و درماندگی و بحران و بن بست اقتصادی و سیاسی رژیم، نوشته هائی مثل رویاهای ممنوعه مجاهد، سناریوی سپاه و سناریوی سفید، و در یک سطح نظری عمیق تر و تئوریک تر، بحث تعیین کننده و کاملا نو و راهگشای منصور حکمت در مورد خصیله سلبی انقلاب، همه نشان دهنده مبارزه بی امان کمونیسم منصور حکمت برای سرنگونی حکومت است. امر سرنگونی و تمرکز بر آن در واقع ترجمه سیاسی - عملی نظریه حزب و قدرت سیاسی و یک وجه تمایز مهم کمونیسم کارگری از گروههای فشار و فرقه های عقیدتی - مکتبی است.

نکته مهم دیگر اینکه سرنگونی بورژوازی در جغرافیای سیاسی معینی به عنوان کشور اتفاق می افتد. کشور فقط یک پدیده بورژوازی نیست. ملت - دولت ها به دنبال انقلابات بورژوازی و با سلطه نظام کاپیتالیستی شکل گرفتند اما کشور در عین حال یک پدیده سیاسی طبقاتی و یک اقتصاد سیاسی معین و کنکرت است. شکل مشخص مبارزه طبقاتی کشوری است. سطح رشد نیروهای تولیدی، قوانین کار، تاریخچه و سابقه مبارزه طبقه کارگر، توازن قوا، سیاستها و عملکرد و ساختار مشخص دولتها و غیره همه کشوری تعیین میشود. ازینرو کشمکشهای طبقاتی نیز خصیله کشوری دارد. بورژوازی دنیا را به کشورها تقسیم کرده است و قدرت سیاسی را بعنوان نماینده ملت در یک جغرافیای سیاسی معین در کشور نامیده میشود در دست گرفته است. ما با دولتهای بورژوازی در کشورهای مشخص طرف هستیم. نمیتوان سازمان ملل را سرنگون کرد. نمیتوان امپریالیسم جهانی را سرنگون کرد. ولی میتوان و باید در هر کشوری بورژوازی را بزیر کشید.

ادامه از صفحه ۵

کشور زمین فعالیت سیاسی است و اگر شما نمی خواهید فعالیت سیاسی بکنید بلکه میخواهید مثل چپ فرقه ای فقط موضع بگیرید دیگر کشور و مبارزه علیه دولت در یک کشور موضوعیت و اولویت و ویژگی ای برایتان ندارد. میتوانید علیه همه دولت‌ها و علیه بورژوازی جهانی و علیه امپریالیسم باشید و علیه همه موضع بگیرید و مقاله بنویسید و خیلی هم احساس مجاهدت بکنید بی آنکه در هیچ عرصه و مبارزه معینی امر سرتگونی دولت معینی را دنبال کرده باشید. وقتی کشور و امر سرتگونی دولت در یک کشور معین را کنار بگذارید مبارزه دیگر امر کنکرتی نیست. یک امر ذهنی و انتزاعی است، علیه کاپیتالیسم علی العموم و علیه همه دولت‌ها علی العموم است اما مشغول خلع ید از هیچ دولتی نیست! شما در چپ اروپا و چپ غرب هم این گرایش را مبینید. حتی نیروهای "زادیکال" چپ فرقه ای در رابطه با دولت خودی و گرفتن قدرت سیاسی حرف چندانی برای گفتن ندارند. مثلاً در آلمان نیروهای چپی هستند که در رابطه با موضوعات مختلف مثل پناهندگان و محیط زیست و علیه راسیسم و غیره مواضع مترقی ای دارند. ولی خود دولت آلمان و کشمکش بر سر تصرف قدرت سیاسی در آلمان در دستور هیچ حزب و نیروی کمونیستی در آن

کشور نیست. کمونیست‌های مکتبی درگیر مبارزه برای تصرف قدرت سیاسی در هیچ کشوری نیستند. این را سپرده اند به احزاب حکومتی و حداکثر بعنوان گروه فشاری بر آنها عمل میکنند. خودشان برای رسیدن به قدرت نه نقشه عملی دارند و نه استراتژی ای و نه فعالیت معینی.

رادیکالیسم کمونیستی یعنی با تمام قدرت علیه دولت خودی، علیه دولت کاپیتالیستی در یک کشور. زمانی لنین در دل جنگ جهانی اول و در برابر سوسیال شوونیست‌های انترناسیونال دوم فراخوان داد که تمام تفنگ‌ها بطرف دولت خودی. خیلی از نیروهای انترناسیونال دوم از جمله سوسیال دمکراسی آلمان این شعار را قبول نکردند و بلشویک‌ها مجبور شدند انترناسیونال دو را ترک کنند. ولی نهایتاً همین خط و جهت گیری بود که به انقلاب اکتبر و پیروزی بلشویک‌ها منجر شد. لنین خودش صاحب این تئوری بود که جنگ جهانی جنگی بین قدرت‌های امپریالیستی برای تقسیم جهان است اما از باید علیه همه امپریالیست‌ها و علیه جنگ امپریالیستی علی العموم مبارزه کرد. این فقط می توانست یک موضعگیری ظاهراً رادیکال اما عملاً پاسیویستی باشد. فراخوان لنین این بود که کارگران و کمونیست‌ها در هر کشور علیه دولت خودشان بلند بشوند و به جنگ جهانی

اول به این شکل پایان بدهند. تنها به این شکل میشد نه تنها جنگ را تمام کرد بلکه به سلطه سرمایه داری در کشورهای درگیر در جنگ پایان داد. به نظر من این فراخوان و شعار همه تفنگ‌ها بطرف دولت خودی فقط به دوران جنگ محدود نمیشود بلکه همیشه معتبر است. به معنی تحت الفظی مختص دوران جنگی است ولی به معنی استعاره ای و عمومی تر درباره همه دوره‌ها صادق است. کمونیسم سیاسی اگر میخواهد در مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی نقش ایفا کند اولین وظیفه اش و استراتژی و فلسفه وجودی اش و حزبیت اش اینست که برای خلع ید از بورژوازی در یک کشور معین بجنگد. همه تفنگ‌ها به طرف دولت خودی.

انترناسیونالیسم کمونیستی نیز یعنی همکاری و هماهنگی و حمایت احزاب کمونیست از یکدیگر برای تصرف قدرت سیاسی در هر کشور. بورژوازی یک دولت جهانی ندارد. بالاخره باید دولت‌های معینی در کشورهای معینی را بزیر کشید. این آرایش سیاسی است که بورژوازی به جهان داده است و پرولتاریا باید در همین آرایش سیاسی بجنگد تا بتواند پیروز بشود.

### بعنوان جمع‌بندی

کمونیسم سیاسی یک وجه تمایز مهم ما از کمونیسم ایدئولوژیک و فرقه ای را بیان

میکند. همانطور که کمونیسم کارگری بیانگر تفاوت ما از کمونیسم‌های بورژوازی است. کمونیسم غیر سیاسی شاخه ای از کمونیسم غیر کارگری است که ویژگی اش محدود ماندن به موضع گیری و برخورد ایدئولوژیک و اسکولاستیک به واقعیات و تحولات است.

تلقی این نیروها از مبارزه طبقاتی کاملاً غیر واقعی و متافیزیکی است، پراتیک برای این نیروها نقش و جایگاهی ندارد و به طریق اولی قدرت سیاسی و کسب قدرت هم نقش و جایگاهی ندارد. کمونیسمی که مجموعه ای از نظرات و مرزبندی‌ها است، ممکن است حتی تبیین و تفسیر درستی از پدیده‌ها و تحولات داشته باشد ولی دخالت‌گری عملی ای به منظور تغییر شرایط موجود در قاموس اش نیست. ناطری است که از بنجره به صحنه نگاه میکند و در بهترین حالت بعنوان داور مبارزه ظاهر میشود.

برای کمونیسم مکتبی اینکه مبارزه طبقاتی به کجا میرود و به چه نتیجه ای میرسد و تاریخ چه روندی پیدا میکند و مهمتر از همه چه باید کرد که روند تحولات به نفع طبقه کارگر و در جهت اهداف انسانی کمونیست‌ها باشد اصولاً مطرح نیست. دغدغه او ایدئولوژی و مرزبندی و موضع گیری است.

برای کمونیسم کارگری برعکس مبارزه طبقاتی کشمکش بی

وقفه ای است بین طبقات که صرفاً به سیاست و اقتصاد محدود نمیشود و فقط هم مبارزه کارگر علیه سرمایه دار نیست بلکه در عرصه‌های مختلف بخش‌های مختلف جامعه به جنب و جوش می افتند و یک کشمکش طبقاتی همیشه جریان دارد که حتی درگیری در میان خود طبقه حاکمه بازتابی از آن است.

برای ما مسئله چه باید کرد اساس کار است نه صرفاً چه باید گفت و یا چه نباید کرد. وقتی از پراتیک حرکت کنید فوراً کشور به عنوان شکل کنکرت مبارزه طبقاتی در سیاست‌های شما برجسته میشود و تصرف قدرت سیاسی و مبارزه برای سرتگونی حکومت در هر کشور جایگاه تعیین کننده ای پیدا میکند.

منصور حکمت تئورسین و پراتیسین این نظرات بود و بعد از فروپاشی شوروی این پرچم را بلند کرد بخاطر اینکه دیگر دوران کمونیسم‌های غیر کارگری تماماً سپری شده بود. من در سمینارهای دیگر جنبه‌های دیگری از نظرات منصور حکمت و ویژگی‌های کمونیسم او را توضیح داده ام ولی در این بحث خواستم صرفاً به خصلت سیاسی کمونیسم منصور حکمت در تمایز با کمونیسم‌های فرقه ای و ایدئولوژیک پردازم. امیدوارم بحث روشن باشد.

۱۰ ژوئیه ۲۰۲۰

ماهواره یاه ست

ماهواره یوتلست



فرکانس: ۱۱۷۶۶

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

پولاریزاسیون: عمودی

فرکانس‌های

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

اف ای سی: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید

www.newchannel.tv  
nctv.tamas@gmail.com

در ماهواره‌های:



## پرونده سازی، زندان و مرگ سهم فعالان محیط زیست در ایران پیمان پیروز

این یک گزارش تکان دهنده از جنایات سیستماتیک حکومت اسلامی علیه فعالین محیط زیست است که دوست عزیزمان پیمان پیروز تهیه کرده اند. بسیاری می پرسند که خصومت و دشمنی حکومت با فعالین محیط زیست به چه دلیل است. چرا اینچنین مورد آزار و اذیت و دستگیری و تعرض سیستماتیک قرار میگیرند؟ جدا از نفس ضد بشری بودن حکومت اسلامی و هویت ضد مردمی آن که دلیل اصلی تمام جنایات حکومت است، این گزارش از جنبه هایی پاسخ مشخصی به این سوال را در خود دارد.

مردم ایران برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی خیز برداشته اند. سرنگونی طلبی در سراسر جامعه موج میزند. حتی برخی تئوریسینهای حکومت هشدار میدهند که اوضاع خطرناک است چونکه مردم چیزی برای از دست دادن ندارند. یکی از نمونه های بارز جنایات جمهوری اسلامی علیه مردم ایران سرکوب و جنایات علیه فعالین محیط زیست است. این را باید با صدای رسا اعلام کرد و بطور همه جانبه از فعالین محیط زیست که خود بخشی از جنبش اعتراضی در جامعه را شکل میدهند حمایت و پشتیبانی کرد. خانواده های آنها باید ببینند که در قلب همه مردم جای دارند. این گزارش را که به تفصیل بیان شده است بخوانید و خود قضاوت کنید:



عصر روز چهارشنبه ۲ تیرماه، اتوبوس حامل خبرنگارانی که برای تهیه گزارش از وضعیت دریاچه ارومیه از تهران به آن منطقه عزیمت کرده بودند، به دلیل نقص فنی در سیستم ترمز، واژگون شد. در این حادثه، "مهشاد کریمی" خبرنگار حوزه محیط زیست و "ریحانه یاسینی" خبرنگار جوان دیگری جان باختند.

این خبرنگاران با دعوت "ستاد احیای دریاچه ارومیه" در قالب تور رسانه‌ای دو روزه، برای بازدید از پروژه‌های عمرانی این ستاد به ارومیه سفر کرده بودند. پروژه ای که مجری آن یعنی قرارگاه خاتم سپاه با احداث سد بر روی رودخانه مرزی زاب و ساخت تونلی به مسافت ۳۶ کیلومتر قصد انتقال آب به دریاچه ارومیه را داشت.

این پروژه از ابتدا با مخالفت فعالان محیط زیست مواجه شد. آنها اجرای هر طرح انتقال بین حوزه‌های منابع آب را دارای آثار سوء زیست بومی می‌دانستند. علاوه بر آن در این مورد خاص، مشکل بحران ریزگردها هم مطرح بود. هزینه احداث این پروژه پانصد میلیون تومان برآورد شده بود. اما قرارگاه خاتم سپاه تاکنون بالغ بر دو هزار و هشتصد میلیارد تومان از دولت دریافت کرده است.

زینب رحیمی یکی از سرنشینان اتوبوس خبرنگاران بازدید کننده، که خود در اثر این سانحه جراحاتی برداشته، در جریان دیدار "عیسی کلانتری" رئیس فاسد سازمان محیط زیست از مصدومان حادثه؛ گفت: "یکی از مسئولان

روز حادثه در اطلاعیه‌ای می نویسد: "این افراد، جمعی از اساتید دانشگاه و متخصصان محیط زیست و منابع طبیعی بودند که در روزهای اخیر با حضور در مجلس از فعالین محیط زیست که در بازداشت نهاد اطلاعات سپاه بسر می‌برند؛ مستنداً دفاع نمودند."

چند روز قبل از این حادثه، موج برخورد با فعالان محیط زیست، ابتدا با بازداشت ۷ نفر کلید خورد. پس از آن نزدیک به ۵۵ نفر دیگر از فعالان محیط زیست در شهرهای مختلف بازداشت شدند. هومن جوکار، امیرحسین خالقی، سام رجبی، طاهر قدیریان، نیلوفر بیانی، سپیده کاشانی، مراد طاهباز، عبدالرضا کوهپایه و کاووس سیدامامی شهروند ایرانی - کانادایی، از

موفق شدند کنترل اتوبوس را به دست گرفته و از سقوط آن به دره جلوگیری نمایند. "خسرو براتی" راننده این اتوبوس بود که بعدها به عنوان یکی از متهمان قتل‌های زنجیره‌ای معرفی شد.

سانحه دوم تیرماه و مرگ دلخراش دو خبرنگار جوان، تنها حادثه روی داده برای فعالان محیط زیستی نیست. روز ۲۹ بهمن ۹۶ دستکم ۱۶ تن از فعالان محیط زیست در سقوط پر ابهام هواپیمای تهران - یاسوج جان خود را از دست دادند. اجساد برخی از این فعالان محیط زیستی تا مدتها در ارتفاعات کوه "دنا" باقی ماند. تا شش ماه پس از سقوط هواپیما تلاش چندانی برای انتقال این اجساد صورت نگرفت.

تابش یکی از نمایندگان وقت مجلس جمهوری اسلامی،

از حضور و ادامه سفر سرباز زده بودند. در آخرین لحظات اتوبوس و ترمینال مسافربری عوض شده بود. اما هیچ‌کدام از مسافران متوجه غیرعادی بودن شرایط نشدند. حتا هشدار صریح "غفار حسینی" از فعالان کانون نویسندگان ایران که گفته بود: "همه‌تان را به ته دره می‌اندازند." را نادیده گرفتند.

"غفار حسینی" از پذیرش دعوت و حضور در این سفر خودداری کرد. اما در جریان قتل‌های زنجیره‌ای در بیستم آبان ۱۳۷۵ در منزل مسکونی خود در تهران توسط نیروهای جنایتکار وزارت اطلاعات به قتل رسید.

راننده اتوبوس در دو تلاش نافرجام و پی در پی کوشید اتوبوس را در گردنه حیران به دره بیندازد و خود از پشت فرمان به بیرون از اتوبوس پرید. اما دو نفر از نویسندگان

"ستاد احیای دریاچه ارومیه" از نقص فنی اتوبوس و مشکل ترمز با خبر بوده ولی مانع مسافرت خبرنگاران با آن نشده است. آنها می‌خواستند ما را بکشند."

گفته‌های زینب رحیمی، یادآور اتفاقی است که در سال ۱۳۷۵ برای اتوبوس حامل اعضای کانون نویسندگان ایران روی داد. دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در دوره هاشمی رفسنجانی قصد داشت تعداد زیادی از چهره‌های فرهنگی را یکجا به قتل برساند. ۱۶ مرداد ۱۳۷۵، ۲۱ نویسنده، شاعر و روزنامه‌نگار، به دعوت اتحادیه نویسندگان ارمنستان از طریق سفر زمینی راهی ایروان شدند.

تا آخرین لحظات قبل از آغاز سفر، فهرست مسافران چند بار تغییر کرده بود. کسانی قبل و کسانی حتی بعد از حرکت؛

ادامه از صفحه ۹



میراث پارسیمان، تحت پوشش پروژه یوز ایرانی، توانسته فعالیت‌های جاسوسی و کسب و انتقال اطلاعات را انجام دهد. این ادعای تسنیم در حالی مطرح شد که هنوز چند هفته‌ای از بازداشت این فعالان نگذشته و متهمان در بازداشت و تحت بازجویی قرار داشتند.

تسنیم که به‌عنوان یکی از رسانه‌های سپاه شناخته می‌شود، در این گزارش به اعضای ارشد و عضو هیات مدیره موسسه حیات وحش میراث پارسیمان که در میان بازداشت شدگان هستند اشاره کرده و می‌نویسد: "طاهباز یک تاجر بین‌المللی است. او به واسطه یکی دیگر از شرکت‌های ثبت شده خود در آمریکا مدیریت ساخت مجموعه توریستی بزرگی در اسرائیل را عهده‌دار است و از شرکای تجاری رژیم صهیونیستی به شمار می‌رود و علاوه بر ساخت‌وساز در آمریکا و رژیم صهیونیستی، مدیریت توسعه قمارخانه‌های آمریکا را هم در کارنامه فعالیت‌های خود دارد."

به نوشته خیرگزاری تسنیم موسسه حیات وحش میراث پارسیمان با پوشش حفاظت از محیط زیست و زیستگاه‌های طبیعی تلاش می‌کرد وظایفی را که از سوی سرویس‌های خارجی به آن واگذار شده بود را انجام دهد.

منتظری، دادستان ایران، روز پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۹۷ در حالی که هنوز دادگاه فعالان بازداشتی محیط زیست به سرانجام نرسیده، آنها را "جاسوس" نامید و گفت: "این امر 'قطعی است' آنها با اتهام 'افساد فی الارض' مواجه هستند که حکم آن حتماً می‌تواند اعدام باشد."

انتساب اتهامات امنیتی به این گروه از فعالان و متخصصان محیط زیستی در حالی مطرح میشد که "کلانتری" رییس سازمان محیط زیست در این باره گفته بود: "دولت هیاتی برای بررسی موضوع تشکیل داده. اما هیچ سندی

جمله بازداشت‌شدگان به‌شمار می‌روند.

کاووس سیدامامی، روز ۱۹ بهمن به طرز مشکوکی در زندان جان باخت. دستگاه جنایتکار قضایی علت آن را "خودکشی" اعلام کرد. "پیام درفشان"، وکیل خانواده سید امامی که در ۲۹ فروردین ۱۳۹۷ برای پیگیری پرونده کاووس سیدامامی به دادسرا مراجعه کرده بود اعلام کرد: "در گزارش معاینه اولیه پزشکی قانونی، کبودی‌های متعدد در نقاط مختلف بدن و جای تزییق پوستی روی بدن وی مشهود بوده است." وکیل سید امامی گفت: "علت دقیق مرگ از سوی پزشکی قانونی اعلام نشده است اما در گزارش به این شکل عنوان شده که دور گردن، آثار کبودی ناشی از فشار یک جسم دیده می‌شود."

۲۲ بهمن سال ۱۳۹۶ دادستان تهران، در این مورد گفت: "این فرد یکی از همان متهمان (فعال محیط زیست) بوده و با توجه به اینکه می‌دانسته است اعترافات زیادی هم علیه وی شده و هم خود اعترافاتی داشته متأسفانه در زندان دست به خودکشی زده است."

غلامحسین محسنی اژه‌ای در ۲۳ بهمن، با تأیید خبر بازداشت این افراد در ایران گفت: "این افراد به اتهام دادن اطلاعات طبقه بندی شده از مراکز حساس به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا در روزهای گذشته دستگیر شده و در بازداشت هستند."

اما سه ماه بعد، محمود صادقی یکی دیگر از اعضای مجلس در توییت می‌نویسد: "وزارت اطلاعات صریحاً، مستدلاً و مستنداً اعلام کرده هیچ دلیلی بر جاسوسی آنها نیافته است."

۲۹ بهمن ۱۳۹۶ خیرگزاری تسنیم وابسته به سپاه در گزارشی می‌نویسد که موسسه موسوم به حیات وحش

برای اثبات ادعای جاسوسی آنها وجود ندارد."

او حتا در پاسخ به پرسش رسانه‌ها می‌گوید: "در پیگیری‌هایمان به ما گفتند این موضوع به شما ربطی ندارد و در کار ما دخالت نکنید." "کلانتری" از این فرصت استفاده کرد و در میانه دعوای جناح‌های حکومتی بر سر میزان بهره بردن از تاراج منابع و ثروت های کشور، از وجود یک طیف قدرتمند به گفته او "گروه فشار" در حکومت ایران سخن گفت که به ادعای او "قدرت بسیاری دارند."

سایت خبری تحلیلی زیتون در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۹۷ روایت دیگری از این پرونده ارائه داد. این سایت به نقل از یک مقام آگاه می‌نویسد: "کمی پیش از بازداشت 'کاووس سیدامامی' اسرائیل با این استاد دانشگاه و فعال محیط زیست تماس گرفته و از او برای همکاری دعوت کرده است. وی هم این موضوع را با وزارت اطلاعات در میان گذاشته و آنان را از این تماس مطلع کرده است."

به نوشته سایت زیتون، این فعال محیط زیست از سوی

وزارت اطلاعات مامور می‌شود تا اطلاعات و ارقام غلط را در اختیار اسرائیل قرار دهد. او برای مدتی، اطلاعات نقشه‌ها و ارقامی غیرواقعی و نادرست را "زیر نظر و به‌خواست وزارت اطلاعات" در اختیار اسرائیل قرار می‌داده است. رابطه او و اسرائیل اگرچه با هماهنگی و زیر نظر وزارت اطلاعات بود؛ از سوی نهاد اطلاعاتی موازی در جمهوری اسلامی اطلاعات سپاه رصد و منجر به دستگیری کاووس سیدامامی و همکاران او شد.

در نهایت پس از کش و قوس‌های فراوان این پرونده، با دستور خامنه‌ای به شورای عالی امنیت ملی ارجاع و اتهام "افساد فی الارض" نیز از پرونده حذف شد.

با این احوال، اطلاعات سپاه هرگز از ادعاهای خود علیه آنها کوتاه نیامد. دست آخر طاهباز و بیانی به ۱۰ سال حبس، جوکار و قدیربان به ۸ سال حبس، رجیبی، خالقی و کاشانی به ۶ سال حبس و کوهپایه به ۴ سال حبس به اتهام جاسوسی برای آمریکا و اسرائیل محکوم شدند.

"نیلوفر بیانی" بهمن سال

۱۳۹۷ در نامه‌ای که از زندان به بیرون ارسال کرد، از شکنجه و آزار جنسی خود در دوران بازداشت خبر داد. او در نامه‌اش نوشت که علاوه بر این‌ها، بازجویان او را به تقلید صدای حیوانات واداشتند. به تزییق آمپول هوا و "آمپول فلج کننده" تهدیدش کرده و عکسی از جسد کاووس سیدامامی نشانش دادند تا عاقبت خود در صورت عدم همکاری را بدانند.

دی ماه ۱۳۹۷ هم او در نوشته‌ای به رئیس بند دو - الف بازداشتگاه سپاه، عنوان کرده بود: "یک تیم بزرگ در بازجویی‌های طولانی، کثیف‌ترین توهین‌های جنسی را با جزئیات چندش‌آور تخیلی مطرح می‌کردند و از من می‌خواستند تصورات جنسی آنها را تکمیل کنم."

"نیلوفر بیانی" در نامه دیگری خطاب به خامنه‌ای در بهمن ۱۳۹۷ گفته بود: "یک‌بار به همراه ۷ مرد مسلح به ویلایی خصوصی در لواسان منتقل شده تا 'با وجود امتناع، مجبور به نظاره رفتار غیراخلاقی و غیراسلامی آنها

ادامه از صفحه ۱۰  
در استخر خصوصی بشود.

خانم بیانی در زمستان سال ۹۷ زمانی که برای دومین جلسه رسیدگی به پرونده‌اش به دادگاه اعزام شده بود، رو به دیگران کرده و فریاد زده است: "اگر شما را هم مثل من به آمبول می‌زدند و تهدید می‌کردند اعتراف می‌کردید. مردم، این چند ماه من را زیر انفرادی نگه داشتند. کتک خورده‌ام و به زور از من اعتراف گرفته‌اند، الان هم دارند من را می‌برند پیش قاضی صلواتی تا اعدام کنند."

بعد از افشاگری‌های خانم بیانی در خصوص آزارها و رفتاری که با او صورت گرفته، وکیل "سپیده کاشانی" هم گفت: "اتفاقات مشابهی برای موکلش در زندان رخ داده است."

در جریان این پرونده، یک بازداشت دیگر هم صورت گرفت که جنجال بسیاری را به دنبال داشت. "کاوه مدنی" استاد تحلیل سامانه‌ها و سیاست در مرکز سیاست محیط زیست کالج سلطنتی لندن که در شهریور ۱۳۹۶، با حکم "عیسی کلانتری" معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ایران، به سمت معاون بین‌الملل، نوآوری و مشارکت فرهنگی - اجتماعی این سازمان منصوب شده بود، توسط ماموران اطلاعات سپاه بازداشت می‌شود.

این دانشمند دو تابعیتی، در طول فعالیتش در سازمان حفاظت محیط زیست همواره از نقض حریم خصوصی خود، نبود امکان فعالیت در ایران و بازجویی‌های بسیار ابراز ناراحتی می‌کرد. وی می‌گوید: "به محض ورود به تهران بازجویی شدم. ایمیل و اکانت‌های شبکه‌های اجتماعی من را بدون اجازه چک کردند."

او پس از ۷۲ ساعت بازداشت و بازجویی آزاد و در فروردین‌ماه ایران را ترک کرد و در خارج

از کشور از سمت خود استعفا داد.

جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران روز ۲۹ فروردین، ضمن "متهم" خواندن او، خروجش از ایران را به پیش رفتن تحقیقات قضایی نسبت داد و گفت: "اگر فلان آقا از کشور خارج شده است، این مساله به پیشرفت ما در تحقیقات بر می‌گردد. چرا که برخی متهمان فهمیده‌اند که در حال نزدیک شدن به آن‌ها هستیم، حال اگر کسی از کشور خارج شده است، بالاخره روزی بر می‌گردد."

روزنامه "وطن امروز" نیز پس از خروج "مدنی" از ایران درباره جاسوسی او می‌نویسد: "کاوه مدنی، معاون سازمان محیط زیست و یکی از متهمان پرونده جاسوسی محیط زیستی از کشور فرار کرد. کاوه مدنی، معاون دوتابعیتی رئیس سازمان حفاظت محیط زیست بود که در ماجرای جاسوسی موسسه "حیات وحش میراث پارسیان"، نام او به عنوان یکی از متهمان این پرونده مطرح شده بود، بدون سروصدا از ایران فرار کرد. مدنی که ممنوع‌الخروج شده بود، به طرز مشکوکی توانست از ایران خارج شود و حالا مدتی پس از خروج از ایران، از سمت خود استعفا کرده و گفته است به ایران بازمی‌گردد. کاوه مدنی که تابعیت انگلیسی دارد و ارتباطات غیرشفاف او در انگلیس به گونه‌ای است که در یک کالج سلطنتی در لندن مشغول به کار شده بود، در مقابل چشم دستگاه امنیتی به‌عنوان معاون رئیس سازمان حفاظت محیط زیست انتخاب و مشغول به کار می‌شود. مدتی بعد در یک پرونده بزرگ جاسوسی که در پوشش فعالیت‌های محیط زیستی انجام می‌شد، نام او از سوی متهمان و دستگیر شدگان مطرح می‌شود و حالا براهتی از کشور گریخته است."

این دانشمند ۳۷ ساله بعدتر گفته بود: "تنها به این دلیل تحت فشار قرار گرفته و مجبور به ترک کشور شده است که "خودی" و نزدیک

به حلقه قدرت در جمهوری اسلامی، نبوده است."

او در پیامی تویتری در واکنش به اتهام "گریختن" از کشور نوشته بود: "آری، متهم گریختن از سرزمینی که در آن جاهلان، علم و دانش و تخصص را پس می‌زدند و با توهم توطئه در جستجوی محکومی بودند تا همه مشکلات را بر گردن بگیرد. چرا که آنها خوب دریافته بودند که پیدا کردن مقصر و دشمن و جاسوس، از مسئولیت‌پذیری و مشارکت در حل مشکلات، بسی آسان‌تر است."

"مدنی" گفته بود دوستان و خانواده‌اش با تمایل وی مبنی بر پذیرش پست رسمی در جمهوری اسلامی "مخالف" بوده و آن را "دیوانگی" می‌دانستند. ولی با این حال او به ایران آمد و به عنوان معاون سازمان محیط زیست مشغول به کار شد.

مشکل جمهوری اسلامی با فعالان محیط زیست در کجاست؟ سایت "کلمه" در گزارشی که روز دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۷ منتشر کرد با اشاره به بازداشت چند فعال محیط زیست به اتهام جاسوسی، نوشت: "این افراد جاسوس نبوده و علت برخورد با آنها مقاومت در برابر طرح‌های سپاه پاسداران برای استقرار سامانه‌های موشکی در محدوده‌های جغرافیایی حفاظت شده بوده است."

به نوشته این سایت: "بخش محیط زیستی سازمان ملل در کشورهای مختلف نقاطی را به عنوان مناطق حفاظت‌شده محیط زیست معرفی می‌کند و با تخصیص بودجه به سازمان‌های غیردولتی و حتی دولت‌ها خواستار حفاظت از مناطق خاص و گونه‌های محیط زیستی می‌شود."

این گزارش می‌افزاید: "به محض آنکه این مناطق در سازمان ملل ثبت شدند سپاه با گمان اینکه می‌تواند سامانه‌های موشکی خود را بدون مزاحمت در این مناطق

مستقر کند؛ اقدام به تاسیس زاغه در این مناطق کرده و تجهیزات خود را در آنجا مستقر می‌سازد. پس از آن گروه‌های محیط زیستی مورد حمایت سازمان ملل بارها با این اقدام سپاه مخالفت کرده و خواستار خروج آنها از مناطق حفاظت شده بوده‌اند تا فعالان محیط زیست بتوانند به طور مرتب از پوشش گیاهی و حیات وحش در این مناطق عکس و گزارش تهیه کنند و به سازمان ملل بفرستند. اما سپاه از گروه‌های محیط زیستی خواسته این مناطق را ترک کنند و عکس‌هایی را که در آغاز این پروژه تهیه کرده‌اند هر سال به عنوان عکس‌های جدید به سازمان ملل ارسال کنند."

بر پایه این گزارش، گروه‌های محیط زیستی زیر بار نرفته و این مساله منجر به درگیری‌ها و کشمکش‌های چندین ساله بین سپاه و گروه‌های غیردولتی محیط زیستی می‌شود. در نهایت اطلاعات سپاه به بهانه جاسوسی این گروه را دستگیر کرد تا، با خیال راحت بتواند فعالیت‌های خود را در مناطق حفاظت شده دنبال کند.

از دیگر دلایل برخورد سپاه و نهادهای امنیتی حکومت با فعالان محیط زیست، نگرانی نظام از برملا شدن فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی بود. "سید امامی" و دیگر فعالان محیط زیست در بررسی‌های خود، متوجه آلوده بودن گیاهان، جانوران و منابع آبی مناطق نزدیک به سایت‌های اتمی ایران به تشعشعات و مواد رادیواکتیو شده بودند.

موارد متعدد دیگری از این آلودگی‌ها در پروژه‌های متعلق به سپاه به خصوص در زمینه سدسازی و پروژه‌های عمرانی و نشانه‌هایی از رادیواکتیو منتقل شده به آب‌های مصرفی در بخش کشاورزی مشاهده شده بود. نظام بیم آن داشت که این گروه، دست به انتشار اسناد و شواهد خود بزنند.

مورد متعدد دیگری از این آلودگی‌ها در پروژه‌های متعلق به سپاه به خصوص در زمینه سدسازی و پروژه‌های عمرانی و نشانه‌هایی از رادیواکتیو منتقل شده به آب‌های مصرفی در بخش کشاورزی مشاهده شده بود. نظام بیم آن داشت که این گروه، دست به انتشار اسناد و شواهد خود بزنند.

پروژه حفاظت از "دلفین بینی بطری" از دیگر موارد مطالعاتی تیم کاووس سیدامامی، مرتبط با موضوع فعالیت‌های اتمی ایران در استان بوشهر بود. تیم همکاران او، پس از مطالعه روی آثار آلودگی‌های اتمی بر گونه‌های جانوری در سطح و کنار خلیج فارس؛ دریافتند که پسماندهای آلوده در دریا موجب مرگ ناگهانی دلفین‌های نزدیک سواحل خلیج فارس بوده است.

مرگ دستکم پنجاه دلفین و هزاران آبی‌زی دیگر در خلیج فارس همگی به دلیل سرریز شدن پساب‌های نیروگاه اتمی بوشهر بود. موسسه میراث پارسیان که نمونه‌برداری از گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی را انجام می‌داد، پس از ارسال آن به پژوهشگاه‌های فوق پیشرفته در ایالات متحده آمریکا ناخواسته اطلاعاتی در زمینه فعالیت‌های اتمی ایران به غرب دادند. در این گزارش آمده است که به دلیل سرریز پساب‌های نیروگاه اتمی بوشهر، سیستم عصبی دلفین‌ها از کار افتاده و در نتیجه دست به مرگ دسته جمعی زده‌اند.

در پروژه مطالعاتی نشت آلودگی‌های اتمی نیروگاه بوشهر، دو برادر به نام‌های محمدصادق و محمدباقر یوسفی که از فعالان محیط زیست در استان بوشهر بودند با تیم "کاووس سید امامی" همکاری داشتند. این دو برادر جوان دهم اسفند ۱۳۹۶، در یک سانحه مشکوک تصادف رانندگی حوالی شهرستان جیم جان باختند. جزییات بیشتر از چگونگی این حادثه هرگز منتشر نشد.

شهریور ۱۳۹۶ گروهی مجهول و ناشناخته نامه‌ای سرگشاده، با امضای "جمعی از فعالان عرصه سازندگی" خطاب به رؤسای سه قوه و نمایندگان مجلس ارسال می‌کنند. این جمع بی‌نام و نشان در نامه خود به دستگاه‌های امنیتی آدرس می‌دهند که گروه‌های محیط زیستی در قالب طرح

ادامه از صفحه ۱۱

مسائلی مثل آب مشغول بلوک‌بندی‌های قومیتی هستند. آنها اعتراضات فعالان را "سیاه‌نمایی و خطرناک" توصیف می‌کنند.

انتشار این نامه، در واقع آماده سازی فضا برای سرکوب فعالان محیط زیست و برخورد با هرگونه اعتراضی در این زمینه بود که با طرح ادعاهای واهی، سعی در ایجاد گرهمهای امنیتی برای آسان کردن پروژه سرکوب داشت.

در آن سالها قرارگاه خاتم، در استان‌های زاگرس و مناطق نفت خیز در جنوب، در حال اجرای پروژه‌های به اصطلاح عمرانی همچون احداث سد گتوند، نهالکاری و مالچ پاشی هزاران هکتار زمین و بیش از ۲۰ طرح انتقال آب در خوزستان بود که اعتراضات بسیار گسترده حامیان و فعالان محیط زیست را به دنبال داشت.

پروژه دیگر سرداران فاسد و چپاولگر سپاه در قرارگاههای خاتم و حمزه، انتقال آب خزر به فلات مرکزی بود. این پروژه هم موجب اعتراضات وسیع محیط زیستیها شد. انتشار نامه اشاره شده موجب شد؛ سال‌های بعد از آن، فعالان محیط زیست آذربایجان شرقی و غربی برای حمایت از دریاچه ارومیه به فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه و قومگرایی متهم شوند. این اتفاق برای فعالان حوزه محیط زیست و معترضان عرب خوزستانی همدار سال‌های اخیر تکرار شد. اتهامهای مشابهی محدودیت‌های زیادی را برای گروه‌ها و کمپین‌های محیط زیستی در کردستان به وجود آورد.

یکی دیگر از دلایل فشارها بر فعالان محیط زیست در ایران، افشاگری‌های آنان از زمین‌خواری و سوءاستفاده مقام‌های حکومتی و نظامی یا وابستگان آنها از منابع طبیعی کشور است. برای نمونه میتوان به پرونده‌سازی متعدد برای "الیه موسوی"، خبرنگار حوزه محیط زیست اشاره کرد

که چندینبار به دلیل افشا و انتشار پرونده‌های مرتبط با جنگل خواری، آلودگی محیط زیست و برداشت بی رویه از درختان جنگلهای استانهای شمالی توسط نهادهای نظامی و حکومتی، راهی دادگاه شده است.

او در یادداشتی که خردادماه ۱۳۹۸ با عنوان "هزینه‌های افشاگری" منتشر کرد؛ نوشت: "یکی از مقامات دادستانی گرگان از طریق واسطه برای من پیغام داده است، اگر دست از ادامه گزارش نویسی درباره موزه دفاع مقدس بردارید، برایت پرونده اخلاقی درست میکنیم. این کار برای ما مثل آب خوردن است."

اشاره این پیام تهدیدآمیز، مربوط به مجوزی است که دولت احمدینژاد به سپاه داد تا به بهانه ساخت "موزه دفاع مقدس" درختان جنگل ناهارخوران در استان گرگان را قطع کند. مجوزی که به استناد آن همچنان سرداران غارتگر سپاه اسلام، مشغول ساخت و ساز در این پارک جنگلی هستند.

از دلایل دیگر مخالفت جمهوری اسلامی با فعالیت‌های زیست محیطی، خصوصاً پس از اعتراضات دیماه ۱۳۹۶ این است که نهادهای امنیتی و قضایی به اهمیت ریشه‌های اعتراضات محیط زیستی در پیوند با بی‌عدالتی اجتماعی و عدم دسترسی به امکانات و منابع طبیعی و دیگر مشکلات عدیده که در زندگی روزمره ساکنان روستاها و شهرهای کوچک و متوسط وجود دارد؛ پی برده‌اند.

این موضوع خصوصاً در جریان اعتراضات مردمی در سیل فروردین ۹۸ خوزستان که دلیل عمده آن ایجاد سدهای متعدد توسط سپاه بر روی رودخانه‌های کارون و کرخه بود، نمود پیدا کرد. پیشرفت اعتراضات و پیشبرد خواسته‌ها در دراز مدت می‌توانست حکومت را با مشکلات جدی مواجه سازد. بنابراین ساده‌ترین راه برای جلوگیری از این مساله

سرکوب فعالان معترض محیط زیست بود که تا به امروز هم ادامه دارد.

کشته شدن چهار تن از فعالان محیط زیست و جنگلبان مریوان در اطفاءحریق آتش سوزی جنگلهای روستای پيله ولسلی و عدم اطلاع‌رسانی در مورد مسببان این حادثه هم اعتراض شهروندان را برانگیخت. حادثه مشکوکی که رییس سازمان امداد و نجات هلال احمر در شبکه خبر صداوسیما، آلوده بودن منطقه به مین و احتمال انفجار آن را دلیل مرگ این افراد دانست.

بازداشت‌های گروهی زنان حاضر در تظاهرات حمایت از کارون و اعتراض به وضعیت محیط زیست در استان خوزستان نیز شرایط را برای حضور خیابانی در اعتراضات محیط زیستی دشوارتر کرد.

۲۹ مهر ۱۳۹۷ خبر قتل فرشید هکی، پژوهشگر، اقتصاددان و فعال حوزه محیط زیست منتشر شد. او برای رسیدگی به آلودگیهای خطرناک مجموعه صنعتی عسلویه به دولت نامه نوشت. او تأثیر سیاست و تصمیمات سیاسی در عرصه محیط زیست را با الگوی احزاب سبز در اروپا مطرح و به بحث گذاشت.

علاوه بر این او در برخی پرونده‌های قضایی تشکیل‌شده برای فعالان محیط زیست، به آنها مشاوره حقوقی می‌داد. پرونده مرگ مشکوک او نیز با دفن پیکرش قبل از روشن شدن دلیل مرگ و تهدید همزمان خانواده‌اش همراه شد.

داوری، مدیرمسئول ماهنامه "بررسی‌های اقتصادی" در نامه به دادستان تهران و وزیر کشور، خواستار پیگیری قتل "فرشید هکی" شد و در توثیقی نوشت: "عده‌ای جان انسان شریف و دانشمندی چون دکتر فرشید هکی را محملی برای بهره‌برداری بانندی و قبیله‌ای کرده‌اند. برخی می‌گویند چرا قتل دکتر هکی را اطلاع‌رسانی

می‌کنید. دشمن سوءاستفاده می‌کند. برخی هم به دنبال تسویه حساب‌شان با جمهوری اسلامی هستند. هر دو جریان رد پای عاملان جنایت را پاک می‌کنند." قتل "فرشید هکی" همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی مانده است.

به این فهرست میتوان واژگونی اتوبوس دانشگاه آزاد در دی ماه ۱۳۹۷ و سقوط اتوبوس دانش‌آموزان المپیادی به ته دره در اسفند ۱۳۷۶ را نیز اضافه کرد.

برخی از این رشته اتفاقات که تحت عنوان حوادث طبیعی یا حوادث مربوط به ناامنی جاده‌ها و ... از آنها اسم برده شده، وقتی کنار هم قرار میگیرند، تردیدی باقی نمی‌ماند که همه قتل‌های مربوط به فعالان محیط زیست، چه در زندان یا در سقوط به دره و یا در اثر آتشسوزی همه و همه به توطئه سپاه و سایر دستگاه‌های امنیتی حکومت مربوط میشود. هر کدام از این موارد با ابعادی کوچکتر، شباهت به شلیک به هواپیمای اوکراینی نیست.

کشتار فعالان محیط زیست و پرونده‌سازی مکرر علیه آنها و

شکنجه و آزار و اذیت آنها در زندانها متأسفانه آنطور که لازم است مورد بررسی و افشاگری قرار نگرفته و کارزاری درخور در دفاع از آنها در ایران و در سطح بین‌المللی سازمان داده نشده است.

در این عرصه جمهوری اسلامی دو جنایت همزمان را پیش میبرد. "جنایت علیه محیط زیست" و "جنایت علیه فعالان محیط زیست".

تا جایی که به فعالان محیط زیست مربوط میشود؛ قتل زنجیره‌ای و زندانی و شکنجه آنها توسط مجموعه بهم پیوسته‌های از ارگانهای مختلف جمهوری اسلامی صورت میگیرد. از سپاه و نیروهای امنیتی و دستگاه قضایی گرفته تا سازمان زندانها و رسانه‌هایی که پوشش خبری واژگونها را از این جنایات ارائه میدهند، هر کدام بخشی از این جنایات را به پیش میبرند.

ضروری است که جنبشی گسترده در حمایت از فعالان مدافع محیط زیست سازمان داده شود و پرونده این جنایات همراه با مجموعه شواهد آشکاری که در این زمینه وجود دارد به مراجع بین‌المللی ارجاع شود.

## انترناسیونال

**نشریه حزب کمونیست کارگری ایران**

**سردبیر: شهاب بهرامی**

**ادیتور: کاظم نیکخواه**

**مسئول فنی: رضا مرادی**

**anternasional@yahoo.com**

**انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.**

**سایت حزب کمونیست کارگری ایران**

**www.wpiran.org**

## نامه سرگشاده در اعتراض به پیام تبریک شرم آور رئیس جمهور اتریش به رئیس جمهور قاتل جمهوری اسلامی

از دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران  
به دفتر ریاست جمهوری اتریش

از طریق این نامه مراتب انزجار و اعتراض خود نسبت به پیام تبریک رئیس جمهور اتریش آقای الکساندر فن در بلن به رئیس جمهور جدید جمهوری اسلامی ابراهیم رئیسی را اعلام می کنیم. ما می خواهیم آقای فن در بلن فوراً این پیام خود را پس گرفته و از مردم ایران و همچنین مردم اتریش بخاطر این رفتار شرم آور و غیرقابل دفاع عذرخواهی کند.

آقای فن در بلن قطعاً ناآگاه نیست که ابراهیم رئیسی، چه بعنوان عضو "هیات مرگ" تهران که هزاران زندانی سیاسی را در تابستان ۶۷ کشتار کرد و چه در سمت های مختلف بعنوان دادستان و رئیس قوه قضائیه که دستور حبس، شکنجه و اعدام صدها نفر را صادر کرد، یک قاتل بزرگ و عامل کشتار هزاران نفر است. رئیسی، همچنین، بعنوان رئیس قوه قضائیه به مسئولین و نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی که بیش از ۱۵۰۰ نفر را در جریان اعتراضات آبان ۹۸ در اعتراض به افزایش بهای بنزین کشتار کردند مصونیت داد. در عین حال، بعنوان یکی از اعضای کلیدی شورای عالی امنیت ملی رژیم ایران، رئیسی در تصمیم به سرنگونی عامدانه هواپیمای مسافربری اوکراینی، پرواز پی اس ۷۵۲، در ۱۸ دیماه ۱۳۹۹ که به کشتار تمامی ۱۷۶ سرنشین بیگناه این پرواز انجامید نقش داشته است و مسئول است.

آقای فن در بلن همچنین قطعاً ناآگاه نیست که انتصاب ابراهیم رئیسی بعنوان رئیس جمهور نه با رای مردم در یک انتخابات عادلانه و آزاد بلکه عملاً از طرف رهبر جمهوری اسلامی، خامنه ای، حتی قبل از برگزاری نمایش انتخاباتی، نمایی که بطور وسیعی از طرف اکثریت عظیم مردم ایران بایکوت شد صورت گرفته است. در غیاب پایه ای ترین آزادیهای سیاسی، در شرایطی که احزاب اپوزیسیون نه تنها ممنوع هستند بلکه فعالین آنها حبس یا بطور فیزیکی حذف می شوند، در شرایطی که تنها تعداد انگشت شماری از نزدیک ترین و وفادار ترین عناصر نظام تحت عنوان "کاندیدا" دستچین می شوند، صحبت از انتخابات در جمهوری اسلامی از پایه بی معنی و پوچ است. آقای فن در بلن به قاتلی که از طریق چنین پروسه ای بعنوان پیروز انتخابات اعلام شده پیام تبریک فرستاده است.

ابراهیم رئیسی بجای دریافت پیام تبریک و برسمیت شناسی دیپلماتیک و مشروعیت سیاسی، باید همراه با سایر سران جمهوری اسلامی بخاطر جنایت علیه بشریت در دادگاه هائی عادلانه و باز - پدیده ای که برای رئیسی و حکومت جنایتکار او بیگانه است - در سطح بین المللی محاکمه شود. بجای برقراری روابط سیاسی با این رژیم، این حکومت باید از نظر سیاسی بایکوت شده و از تمام نهادهای بین المللی اخراج شود.

این عمل شرم آور رئیس جمهور اتریش دهن کجی به مردم ایران و همه آن مدافعین و فعالین حقوق انسانی است که هر روزه در برابر این حکومت وحشی ایستاده اند. آقای فن در بلن اگر می خواهد از عواقب سیاسی فاجعه بار این عمل اش بکاهد، باید پیامش به رئیسی را فوراً پس بگیرد و از مردم ایران و اتریش بخاطر این رفتار شرم آور و غیرقابل دفاع عذرخواهی کند. این کمترین انتظار حزب ما و مردم ایران است.

با احترام

بهرام سروش

مسئول دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران

۴ ژوئیه ۲۰۲۱، ۱۳ تیر ۱۴۰۰

## نامه سرگشاده به رئیس جمهور اتریش! سقوط اخلاقی و سیاسی خطرناک و ضد انسانی!

جناب آقای رئیس جمهور وان در بلن!



خبر تبریک شما به رئیسی را در سایتهای وابسته به سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی ایران دیدیم. سفیر حکومت اسلامی در اتریش نیز در توییتهای خود به این پیام تبریک شما اشاره کرده است.

بسیار عجیب است که شما در مقام رئیس جمهور یک دولت اروپایی، بدون توجه به سابقه این فرد و همچنین نحوه انتخاب! او به عنوان رئیس جمهور، و بدون توجه به اعتراضات مردم در ایران و در دنیا و همچنین اعتراضات ایرانیان پناهنده و مهاجر در اتریش، چنین نامه ای را نوشته و برای رئیسی خواهان موفقیت شده اید.

در سیستم حکومتی که فقط مردان میتوانند کاندید ریاست جمهوری شوند و فقط مردان شیعه و همکار و همراه این حکومت فاشیست اسلامی، که در عین حال از صافی شورای نگهبان رد شده باشند، در مقابل مردم قرار داده میشوند که مثلاً یکی از آنها را انتخاب کنند، در سیستم حکومتی که آزادی بیان مطلقاً وجود ندارد، آزادی احزاب و تشکل و تحزب در آن وجود ندارد، چگونه است که شما از انتخاب رئیسی توسط مردم حرف میزنید. در همین انتخابات کذابی حداقل دو سوم مردم در انتخابات شرکت نکردند، و قبل از انتخابات صدها نفر به اشکال مختلف در داخل ایران با سخنانی های علنی، علیرغم خطر دستگیری و یا اعدام، اعتراض خود را به سیستم حکومتی و نحوه انتخابات اعلام کردند.

در مورد شخص رئیسی هم بعید میدانیم شما چیزی نشنیده باشید.

جناب وان در بلن!

رئیسی از ۱۹ سالگی در این حکومت سرکوبگر و آدمکش، در سیستم قضایی کار کرده و در نقش دادستان، مستقیماً برای اعدام و کشتار مخالفین دوندگی کرده است. او بطور مشخص در سال ۱۹۸۸ عضو هیئت مرگ بوده و هزاران زندانی سیاسی را که حتی تعداد زیادی از آنها احکام قبلی زندان خود را تمام کرده و باید آزاد میشدند، را با یک تصمیم سیاسی حکومتی، به مرگ محکوم کرده و دسته جمعی هزاران نفر را کشته و سپس این حکومت همه اعدام شدگان را مخفیانه در گورهای دسته جمعی دفن کرده است.

آیا تا کنون نام خاوران را شنیده اید، محلی که در آن گورهای دسته جمعی این جوانان پرپر شده در آنجا هست و خانواده ها با جنگ و درگیری فراوان با حکومتی ها با دستهای خود زمین را کنده و عزیزان خود را شبانه در این محل شناسایی کرده و تا همین امروز با سرکوب حکومت نمیتوانند حتی برای جان باختگان عزاداری کنند و با در خاوران دسته گلی بر مزار های دسته جمعی عزیزان خود بگذارند.

پس می بینید که رئیسی یک جنایتکار است. همچنین، از سال ۶۷ تا به امروز وی در سمت هائی ارشد در دادستانی و قوه قضائیه جمهوری اسلامی، از جمله بعنوان رئیس قوه قضائیه، مسئول دستگیری، شکنجه، شلاق زدن و اعدام صدها زندانی است که جرمی بجز اعتراض به فقر و بی حقوقی ندارند.

یک مورد دیگر از جنایات او در دوره ریاستش بر قوه قضائیه مصونیت دادن به قاتلان بیش از ۱۵۰۰ نفر از جوانان معترض در خیزش توده ای سال ۹۸ و زندانی کردن هزاران نفر از آنها است که بسیاری از آنان همچنان در زندان به سر میبرند.

رئیسی همچنین بعنوان یکی از اعضای شورای عالی امنیت ملی در تصمیم به سرنگونی حامدانه پرواز اوکراینی در ۱۸ دی ماه ۹۸ که منجر به کشته شدن همه ۱۷۶ سرنشین آن شد، نقش داشته است. رئیسی از کشتار تابستان ۶۷ بعنوان "یکی از دستاوردهای افتخار آمیز نظام" یاد کرده است، و هفته گذشته در اولین کنفرانس رسانه ای خود بعنوان رئیس جمهور و قبحانه کارنامه خونین خود را "دفاع از حقوق بشر" نامید.

شما در پیام تبریک خود نوشته اید: "من برای شما موفقیت های فراوان در این مقام مهم آرزو میکنم. ما امیدواریم که شما موفق بشوید آرزو ها و امیال مردم ایران برای صلح را عملی کنید، روابط خوب و حسنه بین ایران و دنیا ایجاد کنید، بویزه تنشی ها را از بین برده و در منطقه ثبات ایجاد کنید همچنین شرایط اقتصادی را بهبود بخشیده و حقوق اساسی و آزادی را برای مردم ایران به ارمغان بیاورید."

جای تعجب فراوان است که نمیدانید رئیسی برای مردم ایران نه جای امیدواری بلکه، بسیار ترسناک و نفرت آور است. ما میدانیم که او با این پرونده ای از جنایت و با این سنگدلی و قساوت قلب، در مقام رئیس جمهور، جز مرگ و ویرانی و سرکوب و کشتار چیزی به ارمغان نخواهد آورد و البته مردم ایران بعد از ۴۲ سال مبارزه با این حکومت وحشی و انسان کش خود خوب میدانند در مقابل اینها چه باید بکنند. اعتصاب گسترده کارگران نفت در همین هفته و اعتراضات مداوم هزاران نفر در کارخانه ها و مدارس و محیط های کار و در دانشگاهها و اعتراضات روزانه زنان که در این سیستم و در این حکومت بعنوان

نیمه انسان هم محسوب نمیشوند، همه و همه پاسخ مردم ایران به این جانین اسلامی است.

شما آرزوی موفقیت برای رئیسی کرده اید و ما میتوانیم چند سال دیگر آمار موفقیت های او را که شامل اعدامهای بیشتر و دست و پا بریدن و چشم در آوردن است، برای دفتر شما ارسال کنیم.

شما نوشته اید که از رئیسی خواهان گسترش روابط این حکومت با دنیا و همچنین امنیت در منطقه شده اید، از حکومتی که یک پایه مهم آن غرب ستیزی و شعار "مرگ بر امریکا" و "مرگ بر اسرائیل" است خواستن اینکه با دنیا رابطه برقرار کند، نمیتواند ابداً جدی تلقی شود. و همچنین از حکومتی که پوله های فراوان مردم ایران را صرف سازمان دادن باندهای تروریستی اسلامی در منطقه میکند و خود عامل بی ثباتی و کشتار مردم در عراق و سوریه و لبنان و فلسطین و غیره است، خواستن ایجاد امنیت در منطقه، در بهترین حالت چشم خود را بر حقایق بستن است.

این نوع دفاع از حکومت جنایتکار و ضد انسانی اسلامی فقط با موجی از نفرت در ایران و در دنیا مواجه میشود. این نوع همراهی و دفاع شما از رئیسی در حقیقت پشت کردن شما به همه دستاوردهای آگاهگری و مبارزات انسان دوستانه در دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی است که برای آنها سالیان سال جنگیده اند.

بجای پیام تبریک و همراهی با رئیسی، ما انتظار داریم که شما به جنبشی که در تعقیب این جنایتکار است و تعداد زیادی شاکی خصوصی هم علیه رئیسی دارد، کمک کنید تا او را به اتهام جنایت علیه بشریت محاکمه کنیم.

سرانجام، ما، امضاکنندگان این نامه سرگشاده، از شما درخواست می کنیم که در مورد محتوای نامه خود بیانیه ای رسمی ارائه دهید. و سرانجام برای پی ریزی سیاست اتریش در قبال رژیم جنایتکار اسلامی به مفهوم نکات مطرح شده در این نامه توجه کنید.

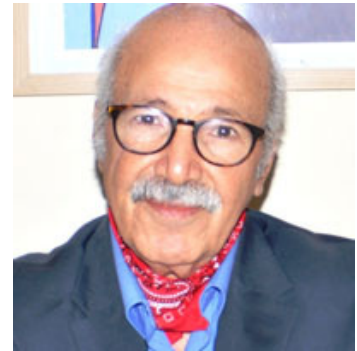
- 1--Mina Ahadi, Vorsitzende des Zentralrats der Ex-Muslime, Köln
- 2- Nasrin Amirsedghi, Dozentin, Berlin
- 3- Dr. Richard Herzinger, Publizist, Berlin
- 4- Dr. Stephan Grigat, Politikwissenschaftler, Universität Wien & Universität Passau
- 5-. Paul Nellen, Dipl.-Pol., freier Autor & Journalist, Hamburg
- 6- Nina Scholz, Politikwissenschaftlerin, Wien
7. - Heiko Heinisch, Historiker, Wien
8. - Gerd Buurmann, Autor und Künstler, Köln
- 9- . Ulrike Becker, Mideast Freedom Forum, Berlin
10. - Seyran Ateş, Rechtsanwältin/Autorin, Berlin
- 11- . Thierry Chervel, Literatur-Online-Magazin Perlentaucher,, Berlin
- 12- . Dr. Heinz Gess, em. Prof. für Soziologie, Bielefeld
- 13-. Arye Sharuz Shalimar, deutsch-persisch-israelischer Schriftsteller, Israel/Berlin
- 14- . Dr. Elvira Grözinger, Literaturwissenschaftlerin, Publizistin und Vorsitzende der Scholars for Peace in the Middle East (SPME-Germany), Berlin
15. - Dr. Michael Kreutz, Publizist, Bochum
- 16- . Thomas M. Eppinger, Publizist, Wien
- 17- . Sama Maani, Schriftsteller, Psychoanalytiker, Wien
- 18- . Gerhard Oberschlick, Publizist, Wien
- 19- Tidi von Tiedemann, Mediendesigner, Kontrastfilm, Mainz
- 20- . Erol Özkaraca, Rechtsanwalt, em. SPD-Abgeordneter, Berlin
- 21- . Zara Riffler, freie Journalistin, Frankfurt
22. - Simone Schwarz, Geschäftsführerin Saida International e.V., Leipzig
- 23- . Klaus Blees, Kompetenzzentrum Islamismus der Aktion 3.Welt Saar e.V., Losheim am See
- 24- . Rebecca Schönenbach, Frauen für Freiheit, Berlin
- 25- . Ramona Wagner, Richard Dawkins Foundation,
- 26- . Sima Mahzari, Soziologin und Frauenrechtlerin, Köln
- 27- . Iman Leo Sefati, Reporter, Berlin
- 28- . Golroch Jahangiri, Frauenrechtlerin, Berlin
- 29- . Jahanshah Rashidian, unabhängiger Aktivist, TV-Präsentator, Köln
30. - Tonia Valiogli, em. Sportlerin, USA
- 31- . Shahnaz Morattab, The Association of families of flight PS752 victims, Frankfurt
- 32- . Hourvash Pourkian, Vorstandsvorsitzende Kulturbrücke Hamburg e. V., Hamburg
- 33-. - Shole Pakravan, Mutter von Reyhane Jabbari

# اندیشه و سیاست

در این صفحه هر هفته متن یکی از بحث‌های صوتی پادکست اندیشه و سیاست منتشر خواهد شد.

مدیر پادکست: کاظم نیکخواه  
لینک: [andishevasiasat.podbean.com](http://andishevasiasat.podbean.com)

## جامعه طبقاتی، دولت و انقلاب اجتماعی



کاظم نیکخواه

امروز میخواهیم در مورد جامعه طبقاتی دولت و انقلاب اجتماعی صحبت کنیم. رابطه اینها چیست؟ و چرا جامعه به طبقات تقسیم شده و دولت چه نقشی در این ساختار طبقاتی دارد و چرا ما کمونیستها از جامعه بدون طبقات صحبت میکنیم.

خب اینها موضوعاتی است که ساعتها میشود در موردش صحبت کرد و کتابها در مورد آن نوشته شده و من اینجا فقط به مدت نیم ساعت میخواهم پایه‌های بحث را توضیح بدهم و نه همه جوانب آنرا.

### الف - جامعه طبقاتی

برای اینکه نقطه عزیمتان روشن تر بشود یک لحظه چشم‌ها را ببندید و به این فکر کنید که چرا اساسا جامعه انسانی شکل گرفته است. در پاسخ به این سوال فوراً به این جواب میرسید که جامعه تشکیل شده چونکه بشر موجودی

توضیح ایجاد طبقات استثمارگر و استثمار شونده است. یعنی توضیح آن روند غیر انسانی‌ای است که شکل گرفت و نتیجه آن جوامع طبقاتی بود. جوامعی که یک اقلیت بنام روسای قبایل یا برده دار، یا زمین دار و فئودال و اشرافیت، یا سرمایه دار و صاحب سرمایه بر اکثریت مردم سلطه یافتند.

اما مساله فقط به یک بار غارت ذخایر تولید شده از کار دیگران تمام نشد. بلکه این اقلیت چپاولگر و بی خاصیت و مفتخور، به چپاولگری خودشان ادامه دادند و بعد با استفاده از اموال و ثروت‌هایی که غارت کرده بودند یک عده را اجیر کردند که برتری آنها بر دیگران را حفظ کنند و تداوم ببخشند. و به این شکل اولین دولت‌ها ایجاد شدند. و بتدریج سیمای جامعه عوض شد. جامعه‌ای که بخاطر پاسخ به نیازهای افراد تشکیل شده بود، تبدیل شد به جامعه‌ای که محور اصلیش حفظ ثروت و نعمت و امکانات یک قشر اقلیت بود.

تاریخ نشان میدهد که دولتهای اولیه در واقع دستجات مسلحی بودند که کارشان حفظ ثروت‌های چپاول شده همین باند‌های دزد و چپاولگر و سران قبایل و عشایر بود. دولت دقیقاً از اینجا شکل گرفت. یعنی قشر انگل و سلطه گر، زورگویی و سلطه و چپاولگری خودش را با استفاده از اسلحه و چماق و نیروی مسلح بحفظ کردند. و بعدا همین نیروی مسلح و زورگویی را بنام دولت و پلیس و ارتش و زندان و دادگاه و غیره تثبیت کردند و به آن سیستم دادند.

این بطور خلاصه داستان سیستم طبقاتی‌ای است که از حدود سه هزار سال قبل از میلاد بر جوامع بشری حاکم شد. سیستم‌های برده داری، فئودالی و زمین داری و سرمایه داری بر این اساس شکل گرفتند. در برخی جوامع و در مقاطعی از تاریخ ترکیبی از همه این سیستم‌های طبقاتی را میشود مشاهده کرد. مثلاً در جاهایی زمین داری و برده داری بایبای هم پیش رفته اند.

یا سرمایه داری و فئودالیسم سالها با هم همزیستی داشته اند. اینکه آیا میشد تاریخ بشر روال دیگری پیدا کند و به این شکل دردناک و ستمگرانه و جنایتکارانه نباشد بحث دیگری است که اینجا موضوع بحث ما نیست.

ما کمونیستها حرف اساسی مان بطور خلاصه اینست که این سیستم‌های طبقاتی سرنویست گریز ناپذیر بشر نیست و نباید باشد. بقول منصور حکمت اساس سوسیالیسم و کمونیسم انسان است. بشر باید خود را از تبعیضات و زورگویی‌های اجتماعی خلاص کند و مبارزه طبقاتی دائمی‌ای برای رهایی جریان داشته و دارد. آنچه ما بویژه نشان میدهیم اینست که در جامعه سرمایه داری بشر میتواند و این امکان و شرایط را بطور عینی بدست آورده است که بتواند به این دوره‌های طبقاتی پایان دهد.

برده‌ها مدام علیه برده داران شورش و مبارزه کرده اند و نتوانستند وضع را عوض کنند. دهقانان و سرفه‌ها همینطور. اما سرمایه داری سیستمی است که بقول مارکس هم دچار تناقض مهلک است و هم گورکنان خودش را پرورش داده. تولید سرمایه داری یک طبقه کارگر را ایجاد کرده که کاملاً و بطور عینی موجودیت یک طبقه واحد و متحد را دارد و هم گلوگاه سرمایه داری را در چنگال خودش دارد و میتواند با حرکت متحدانه خودش کل این سیستم را فلج کند و متلاشی کند و جامعه را از نو بسازد.

همانگونه که اشاره کردم جامعه انسانی آنگونه که بشر اساساً آرزویش را دارد و برای آن دور هم جمع شده، جامعه‌ای بدون طبقات است. بدون بالا دست و فرودست. بدون ستمگر و ستمکش. بدون استثمار کننده و استثمار شونده. هرکس به اندازه توانش کار میکند و به اندازه نیازش بدست می‌آورد. اینها نه خیالپردازی است و نه غیر واقعی. واقعا کدام انسان است که آرزویش زندگی کردن در چنین جامعه‌ای منقطع و باز و

آزاد نباشد؟ قطعاً و بدون تردید ۹۹ درصد مردم جهان عمیقاً و با تمام وجود آرزو میکنند در چنین جامعه‌ای زندگی کنند. آرزو دارند هر روز بدون ترس و نگرانی از زندان و سرکوب و فقر و جنگ از خواب بیدار شوند و به کارهایی که دوست دارند بپردازند و در فضایی از مهر و محبت و شادی و رفاه در کنار دیگران در موقعیتی برابر زندگی کنند. این در واقع احساس و فکر و آرزوی طبیعی بشر است. یعنی کمونیسم از خود انسانیت انسانها سر چشمه میگیرد و اختراع ما یا مارکس یا کمونیستها نیست. یک امر عینی و انسانی است.

و مانعی که سر راه آن وجود دارد همان اقلیت استثمارگر حاکم است و نه هیچ چیز دیگری. ثروت و امکانات و علم و تجربه و همه پیش شرطها برای آن وجود دارد و باید مقاومت آن اقلیت را کنار زد تا بشود آنرا عملی کرد.

### ب - دولت ابزار سرکوب طبقاتی

مهمترین و اساسی‌ترین ابزار تداوم حاکمیت اقلیت سلطه گر، دولت است. دولت بر خلاف آنچه تبلیغ میکنند، ابزاری برای دفاع از مردم و شهروندان نیست. بلکه ابزاری در برابر آنهاست. ابزاری است برای سرکوب اکثریت مردم و مقابله با اعتراض و مبارزه و انقلاب فرودستان. و اساساً برای همین کار درست شده. کارکرد اصلی پلیس و ارتش و دادگاه و زندان در همه جا حتی در پیشرفته‌ترین جوامع سرمایه داری اساساً همین است. شعار مدافعان نظام‌های موجود "نظم و قانون" است. نظم یعنی همان سیستم نابرابری که به یک اقلیت امکان میدهد بخش اعظم ثروت‌ها را در اختیار بگیرد. و قانون یعنی ضوابط و امر و نهی‌هایی که برای حفظ این سیستم تعریف شده است.

میدانیم که مدافعان سیستم موجود به وجود دزدی و قتل و دیگر جرم‌ها و جنایات در جوامع اشاره میکنند و دولت



ادامه از صفحه ۱۶

و قانون و زندان را در خدمت مقابله با این جرائم قلمداد میکنند. اما کمی کنکاش در ریشه همه جرائم این را بروشنی به هرکسی نشان میدهد که تمام جرائم و جنایات عوارض و دملهای چرکین همین نظام نابرابر و ناعادلانه هستند. جامعه بیمار، مدام در درون خود بیماری تولید میکند. از جمله قتل و جنایت و دزدی و اعتیاد و امثال اینها. آموزش اصلی این جامعه اینست که برای خوشبختی باید با دیگران مدام رقابت کنی و پایت را بر شانه دیگران بگذاری و بالا بروی. بعلاوه کارکرد اصلی دولت مقابله با این جرائم نیست. بلکه مقابله با شورشها و خیزشها و اعتراضات و اعتصابات و مبارزات اکثریت مردم علیه اقلیت حاکم است. و نه چیز دیگری.

### ج- مبارزه طبقاتی و انقلاب

سوال اینست که آن اکثریت تحت ستم برای دفاع از زندگی خویش و خلاصی از این وضعیت ناهنجار که بر او حاکم کرده اند چه ابزاری در اختیار دارد؟ جواب این سوال مبارزه است. مبارزه طبقاتی با طبقه ستمگر و استثمارگر. و اوج این مبارزه انقلاب است. درست است که طبقه حاکم ارتش و پلیس و زندان و نیروی سرکوب را در اختیار دارد. اما تجربیات تاریخی نشان داده که وقتی که اکثریت مردم دست به مبارزه و انقلاب میزنند کل این دستگاه و سیستم سرکوب را میتوانند در هم بشکنند.

یک نکته هم که باید اشاره کنیم و مهم است اینست که مبارزه طبقاتی یک واقعیت اجتماعی است. با آموزش و ارشاد و نصیحت و آگاهی شروع نمیشود. همانطور که در مانیفست تاکید شده تاریخ همه جوامع طبقاتی تاریخ مبارزه طبقاتی است. از همان لحظه اولی که جامعه طبقاتی شکل میگیرد مبارزه طبقاتی نیز همراه با آن در اشکال بسیار متنوعی شروع میشود و بسته به شرایط نشو و نما می یابد. مبارزه طبقاتی در مقطعی از تکامل و رشد و گسترش

خود به شورش و انقلاب می انجامد. یعنی حرکت همزمان بخش قابل توجهی از مردم برای به زیر کشیدن حاکمین و در دست گرفتن زمام امور.

انقلاب یعنی تحول از پایین و با قدرت توده مردم. انقلاب یعنی خیزش توده ای برای به زیر کشیدن حکومت. مبارزه طبقاتی در نقطه ای از رشد و بالندگی خود به شورش مردمی و انقلاب منجر میشود. یعنی بخش قابل توجهی از اکثریت فرودست بطور همزمان در ابعاد وسیع و میلیونی بپا میخیزد و تلاش میکند اقلیت حاکم را از راس جامعه به زیر بکشد و به سلطه آن پایان دهد.

نکته ای که میخواهیم تاکید کنیم و بسیار مهم و کلیدی است، اینست که آن توده اکثریت تحت ستم و استثمار، ابزاری بدون مبارزه جمعی و انقلاب برای خلاصی از حاکمیت سیستم استثمار و ستمگری در دست ندارد. چند صد سال است سرمایه داری بر جهان حاکم شده و تمام تلاش کارگران برای بهبود شرایط زندگی خویش با قتل و زندان و دستگیری و سرکوب مواجه شده است. دموکراتیک ترین جوامع سرمایه داری تاریخی که پشت سر خود دارند، تاریخ جنگ و جدالهای حاد و دردناک طبقاتی است و که نهایتا با انقلابات و قیامهای توده ای کارگران و مردم محروم، عقب نشینی هایی را به دولتها و سرمایه داران تحمیل کرده اند. آن جریانات و نظریه پردازانی که علیه نفس انقلاب موضع میگیرند و انقلاب را تقبیح میکنند یا آنرا با خشونت برابر میگیرند، شیادان و مدافعان رنگارنگ نظام های طبقاتی موجود و بطور مشخص سرمایه داری حاکم هستند. وقتی که ارتش و پلیس و زندان و سرکوب و زور و قانون و دادگاهها همه برای در انقیاد نگه داشتن اکثریت مردم حدادی شده اند و علیه اکثریت بکار میروند، روشن است که نمیتوان بدون زور، بدون مبارزه و بدون انقلاب گامی به جلو برداشت. به همین دلیل انقلاب یکی از واژه های کلیدی در قاموس کمونیسم

است. انقلاب برای کسب قدرت سیاسی. انقلاب برای پایان دادن به نظم و مناسبات ستمگرانه و استثمارگرانه!

تک تک این کلمات مهم و حیاتی اند. باید انقلاب کرد و باید قدرت سیاسی یعنی دولت و حاکمیت را از دست اقلیت که اکنون سرمایه داران هستند بیرون کشید. تا بشود به مناسبات ستمگرانه و استثمارگرانه پایان داد. مطلقا هیچ راه دیگری جز این وجود ندارد.

بی دلیل نیست که شمار سیاستمداران و نظریه پردازان و "روشنفکران" و کسانی که علیه انقلاب تبلیغ میکنند، بسیار است. حاکمین باید و ناچارند راه انقلاب را سد کنند و یکی از راههای سد کردن انقلاب اینست که نفس انقلاب کردن تخطئه شود. و در این زمینه دانشگاهها و کتابها و مقالات و تبلیغات بسیار به جریان افتاده است. تلاش میکنند انقلاب را برابر با خشونت قلمداد کنند. تلاش میکنند انقلاب را به احزاب و گروههای افراطی نسبت دهند. تلاش میکنند مردم را از انقلاب زده کنند.

### و بالاخره

اما هیچکدام از اینها مانع به جریان افتادن انقلابات نشده اند و نخواهند شد. زیرا همانگونه که از نظرات مارکس نتیجه میشود انقلاب یک پدیده عینی است. نه با آگاهی و نقشه از پیشی شروع میشود و نه با نقشه و ضد اطلاعات و ضد آگاهی میتوان مانع آن شد. اینکه انقلابات چه روند و طول و عرض و اشکالی بخود میگیرند بحث دیگری است. ممکن است انقلاب با یک قیام یک روزه پیروز شود. ممکن است ماهها جدال و جنگ و شورش و خیزش ادامه یابد. ممکن است طبقه حاکم با یک اعتصاب عمومی و تظاهرات و راهپیمایی توده ای از هم بپاشد و قدرت را به مردم واگذار کند. همه اینها بستگی به شرایط دارد. فاکتورهای زیادی در اینکه انقلابات چه اشکال و ابعاد و روندی بخود بگیرند تاثیر دارند. اما ویژگی مشترک

همه این انقلابات متنوع و رنگارنگ، اعمال زور و قدرت توده ای علیه حاکمین است. یک نکته را هم اشاره کنیم که این درست است که انقلاب یک پدیده عینی است اما اهداف انقلاب بستگی به رهبری انقلاب دارد. انقلاب ممکن است با به زیر کشیدن حکومت و جابجا کردن حکومت متوقف شود. یعنی مردمی که انقلاب کرده اند تصور کنند یا باور کنند که مشکل فقط حکومت و دولت موجود بوده و نه کل سیستم و مناسبات موجود. در این صورت یک انقلاب سیاسی صورت میگیرد.

در عین حال ممکن است انقلاب دست به ریشه ببرد. امتیازات طبقاتی را مورد تعرض قرار دهد. روابط اقتصادی و توزیع ثروت و بوروکراسی و ارتش و کل نظم موجود را زیر و رو کند و جامعه را روی روال دیگری بیندازد. به این میگویند انقلاب اجتماعی. انقلابی برای تغییر کل روبنای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جامعه.

تا اینجا از ویژگیهای اوضاع اجتماعی در جوامع طبقاتی و انقلاب بطور کلی سخن گفتیم و به نظام موجود حاکم در دنیا یعنی سرمایه داری و مبارزه طبقه کارگر فقط اشاراتی داشتیم و بطور تفصیلی به خصوصیات مبارزه طبقاتی در این نظام نپرداختیم. کمونیسم از دل جامعه سرمایه داری سر بر آورده است. بدون سرمایه داری و طبقه کارگر جنبش کمونیستی یا بهتر است بگوییم کمونیسم علمی نمیتوانست پا بگیرد. کمونیسم یک آرزو نیست. یا فقط یک آرزو نیست. بلکه یک چشم انداز و افق عینی و واقعی و عملی و علمی است که از دل سیستم سرمایه داری شکل گرفته. سرمایه داری از این زاویه دو ویژگی دارد. یکی اینکه دچار تناقضات درونی است. سیستم سود دچار تناقض است. رقابت بخشهای مختلف سرمایه مدام در این سیستم بحران سازی میکند. جهانی شدن سرمایه

نتیجه ای که در آخر میگیریم اینست که کمونیسم علمی محصول سرمایه داری است و از دل سرمایه داری رشد کرده و جلو آمده و مدام جلوتر می آید. نکته دیگر اینکه کمونیسم جنبشی مربوط به طبقه کارگر است و با مصالح و منافع طبقه کارگر گره خورده است. و بالاخره طبقه کارگر فقط با انقلاب میتواند خودش و جامعه را از ستم و استثمار خلاص کند. و بالاخره انقلاب کمونیستی به طبقات و سیستم طبقاتی پایان میدهد و به این دلیل دولت هم در این سیستم نیاز و ضرورت وجودیش را از دست میدهد.

(توضیح: این متن قبلا در انترناسیونال شماره ۹۱۲ منتشر شده و اینجا بعنوان بخشی از مجموعه بحثهای یادکاست اندیشه و سیاست مجددا آنرا بازتاب میدهیم)

## بیانه مشترک جمعی از فعالین جنبش نوین رهایی زن و دیگر جنبشهای اعتراضی در حمایت از اعتصابات کارگران نفت و پتروشیمی

### از اعتصابات سراسری و مطالبات به حق کارگران نفت و پتروشیمی، قویا حمایت میکنیم

#### امضا کنندگان:

- شیرین شمس، مسئول انقلاب زنان
- رضوانه خان بیگی، کنشگر اجتماعی و زندانی سیاسی زن
- نرگس منصوری، کنشگر سیاسی صنفی کارگری و حقوق زنان، امضا کننده بیانیه ۱۴ زن
- رقیه بیگدلی، فعال حقوق زنان
- منیره عربشاهی، مدافع حقوق زنان
- هانیه قره اوغلائی خواهر زندانی سیاسی حامد قره اوغلائی
- شقایق نوروزی، بازیگر سینما و فعال حقوق زنان
- رادا مردانی، فعال دانشجویی و معلم، زندانی سیاسی سابق
- مینا احدی، فعال حقوق زنان
- شیوا گنجی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان
- درسا بی آزار، کنشگر مدی
- شهلا دانشفر، فعال حقوق زنان و جنبش کارگری
- شاپرک شجری زاده، فعال حقوق زنان و از دختران خیابان انقلاب
- نعیمه دوستدار، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان
- شعله پاکروان، مادر دادخواه ریحانه جباری
- شیوا محبوبی، فعال حقوق زنان، سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
- نوشین سنجابی، فعال حقوق بسر
- باران هاشمی، فعال حقوق زنان از افغانستان
- مهتاب قربانی، شاعر و نویسنده و فعال حقوق بسر
- زهره شیرخدایی، فعال حقوق بسر

اعتصابات کارگران درست به فاصله کوتاهی از انتخابات نمایشی، یک پیام محکم داشته و آن اینست که جامعه ایران معیشت و منزلت را حق مسلم خود دانسته و با تمام قدرت برای یک زندگی انسانی و شایسته انسان قرن و بیست و یکمی، به تلاش و مبارزه خود ادامه میدهد. بخش مهم و تعیین کننده این مبارزه طبقاتی و آشتی ناپذیر بین اکثریت جامعه ایران و اقلیت در طبقه متخاصم موجود، اعتصابات سراسری کارگران تعداد پرشماری از مراکز نفت و پتروشیمی است که فضای سیاسی موجود را تحت تاثیر خود قرار داده.

خواسته کارگران در این اعتصابات «افزایش همه دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون تومان در ماه» و «تغییر نوبت مرخصی به ۲۰ روز کار و ۱۰ روز مرخصی»، «پرداخت به موقع دستمزدها، کوتاه شدن دست پیمانکاران، بازگشت به کار همکاران اخراجی، ممنوعیت اخراج کارگران و لغو قوانین برده‌وار مناطق آزاد اقتصادی»، «برخورداری از امکانات درمان رایگان، رعایت استانداردهای بهداشتی، محیط زیستی و ایمنی محیط کار، بالا بردن استانداردهای بهداشتی خوابگاه‌ها و سرویس‌های بهداشتی، پایان دادن به امنیتی‌سازی محیط‌های کار، به رسمیت شناخته شدن حق تشکل، تجمع، اعتراض و اعتصاب کارگران» است.

است که با درجه بیشتری است شمار میشوند. مردمی که نیروی کار فکری و بدنی خود را به صاحبان سرمایه که غالباً در چرخه مافیای اختلاس گر اقتصادی موجود زیست میکنند، میفروشند تا معیشت خود را تامین کنند، اما هیچ سهمی از سودهای نجومی و امکانات و ثروتها و منابع جامعه ندارند و اگر اعتراضی کنند با تهدید و بازداشت و زندان و شلاق و شکنجه و اعدام و گلوله پاسخ میگیرند.

این اعتصابات، ادامه خیزش آبان ۹۸ است و مسیری که جامعه ایران و امروز در راس آن کارگران طی میکند، مسیر وقوع یک انفجار و انقلاب عظیم اجتماعی است که به زودی همه ساختار و مناسبات سیاسی و اقتصادی و مافیای دزد سالار اسلامی موجود را به شدیدترین شکل ممکن در هم خواهد کوبید.

۱۴ تیر ۱۴۰۰  
۵ جولای ۲۰۲۱

مطالبات به حق کارگران در اعتصاب، مطالبات اکثریت مردم ایران از جمله زنان

بیانیه بیش از صد نفر از خانواده زندانیان سیاسی، خانواده های دادخواه، زندانیان سیاسی، فعالین مدنی و سیاسی از ایران در اعتراض به مزاحکه انتخاباتی و با خواست تشکیل کمیسیون مستقل شورای حقوق بشر جهت بررسی شکایات علیه رئیسی به عنوان یکی از عاملین و آمرین سرکوب، زندان، شکنجه و قتل عام فعالین در دهه شصت، بقتل رساندن بیش از ۱۵۰۰ نفر از معترضین آبان ماه ۹۸، سرنگون کردن هواپیمایی اوکراینی و کشته شدن ۱۷۶ سرنشین آن که مصداق جنایت علیه بشریت میباشد.

**متن بیانیه همراه با امضاها را در زیر مشاهده میکنید.**

## امضا کنندگان:

## به شورای حقوق بشر سازمان ملل



در هفته گذشته، ۲۸ خرداد، شاهد نمایش انتخابات در ایران بودیم. از پیش بروشنی معلوم بود که از میان کاندیداهای فیلتر شده، حکومت شخص مورد نظر و تأیید خود را رئیس جمهور اعلام خواهد کرد و دیدیم که رئیسی را به عنوان رئیس جمهور معرفی کردند.

ما خانواده های زندانیان سیاسی، جانبختگان و فعالین سیاسی و مدنی، فعالین جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و جنبش دادخواهی، فعالین علیه اعدام، فعالین حقوق زنان، فعالین دانشجویی، کارگری، معلمان، بازنشستگان و نویسندگان، وکلا، ورزشکاران و هنرمندان، اعلام کردیم: در این انتخابات فرمایشی شرکت نمی کنیم و از نظر ما جناح اصلاح طلب و اصولگرا با هم تفاوتی ندارند.

گفتیم: شما فرزندان ما را در زمین و هوا کشتید، پاسخ حداقل مطالبات ما که نان و آزادی بود را با زندان و گلوله دادید.

گفتیم: شما زندگی اکثریت مردم ایران را به زیر خط فقر کشانیدید و بنابراین ما این انتخابات فرمایشی را به رسمیت نمی شناسیم و خواستار تشکیل کمیسیون بررسی جرایم و جنایات جدیتر و تحقیقات کیفری در ارتباط

- ۱ - احترام شکوری همسر زندانی اعدامی رشید خداجو
- ۲ - ناهید شیرپیشه از مادران دادخواه آبان، مادر جانباخته راه آزادی پویا بختیاری
- ۳ - فرنگیس مظلوم مادر زندانی سیاسی سهیل عربی
- ۴ - بتول حسینی از مادران دادخواه، مادر زندانی سیاسی، عقیدتی جانباخته بهنام محجوبی
- ۵ - راحله راحمی پور از خانواده دادخواه خواهر حسین راحمی از جانباختگان راه آزادی دهه شصت
- ۶ - مهدی فراخی شاندرین زندانی سیاسی
- ۷ - هاشم خواستار فعال صنفی معلمان و زندانی سیاسی
- ۸ - صدیقه مالکی همسر معلم زندانی سیاسی هاشم خواستار
- ۹ - عشرت بستجانی فعال مدنی
- ۱۰ - فاطمه اسانلو مادر جان باخته افشین اسانلو
- ۱۱ - فرشته اصانلو خواهر جان باخته راه آزادی افشین اسانلو
- ۱۲ - بهنوش زرین کمر مادر زندانی سیاسی سابق مهرداد محمدنژاد
- ۱۳ - پوران ناظمی، از امضا کنندگان بیانیه استعفای خامنه ای و زندانی سیاسی سابق
- ۱۴ - جواد لعل محمدی عضو کانون صنفی معلمان ایران
- ۱۵ - شهلا جهان بین، فعال حقوق زنان و مدافع زندانیان سیاسی
- ۱۶ - عباس واحدیان شاهرودی، نویسنده و فعال سیاسی
- ۱۷ - محمد نوریزاد، کارگردان، فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی

با شخص آقای رئیسی بعنوان رئیس جمهور انتصابی هستیم. شواهد و اسناد کافی نشان می دهد که ایشان در « هیئت مرگ ۴ نفره» و یا همان « هیئت مرگ» مسبب قتل هزاران جوان بی گناه آزادخواه در دهه شصت می باشد.

همچنین در دوران ریاست ایشان به عنوان رئیس قوه قضائیه، تعداد بسیاری از زنان و مردان دستگیر و شکنجه و اعدام شده اند؛ از جمله: دستگیری، شکنجه و کشتن هزاران زن، کودک و مرد در اعتراضات آبان ماه ۹۸، شلیک به هواپیمای اوکراینی و کشتن ۱۷۶ مسافر بیگناه این پرواز، از موارد جنایت علیه بشریت می باشد.

بنابر این، ما امضا کنندگان این بیانیه، از شورای حقوق بشر سازمان ملل می خواهیم شکایات ما را بررسی کرده و گامهای موثر و عملی با هدف تشکیل کمیسیونی مستقل جهت جمع آوری شواهد و مدارک موجود جرائم و جنایات بین المللی رخ داده در ایران، بردارد

- ۱۸ - شهلا انتصاری، مددکار اجتماعی و فعال سیاسی
- ۱۹ - فاطمه سپهری از امضاکنندگان بیانیه استعفای خامنه ای و زندانی سیاسی سابق
- ۲۰ - مهناز سرابی کدخدایی مادر زندانی سیاسی جانباخته علیرضا شیرمحمدعلی
- ۲۱ - زلیخا سلمانپور ظهیر مادر زندانی فرهاد سلمانپور ظهیر
- ۲۲ - کوروش جلیل زندانی سیاسی سابق
- ۲۳ - آرش آذرخش فعال سیاسی
- ۲۴ - حمید بی آزار فعال سیاسی
- ۲۵ - آریاسب باوند زندانی سیاسی سابق
- ۲۶ - اسفندیار طاهری فعال سیاسی
- ۲۷ - مهدی علیزاده فخرآبادی زندانی سیاسی سابق
- ۲۸ - عباس هاشم پور فعال کارگری
- ۲۹ - عبدالرحمان ابراهیم زاده فعال کارگری
- ۳۰ - صدیق ابراهیم زاده فعال مدنی
- ۳۱ - حسین غلامی آذر زندانی سیاسی سابق
- ۳۲ - عیسی ابراهیم زاده فعال کارگری
- ۳۳ - محمدحسن پوره فعال صنفی معلمان و گروه ۱۹ اسفند
- ۳۴ - افسون دهقانی فعال مدنی
- ۳۵ - تهمینه خسروی فعال صنفی
- ۳۶ - بابک صفری زندانی سیاسی سابق
- ۳۷ - احمد عالی نژاد زندانی سیاسی سابق
- ۳۸ - سکینه آسودی قوشچی شاعر و نویسنده
- ۳۹ - یوسف قادری فعال کارگری
- ۴۰ - امیر تبریزی زندانی سیاسی سابق
- ۴۱ - خالد احمدی فعال مدنی
- ۴۲ - رضا کریمیان فعال مدنی
- ۴۳ - درسا بی آزار فعال مدنی و همسر سینا بهشتی زندانی سیاسی
- ۴۴ - بابک صفری زندانی سیاسی سابق
- ۴۵ - رضا ایلور فعال مدنی
- ۴۶ - قاسم بهرامی فعال مدنی
- ۴۷ - آرش تورانی فعال مدنی
- ۴۸ - افروز سلمانپور ظهیر خواهر زندانی فرهاد سلمانپور ظهیر
- ۴۹ - حسین سلمانپور ظهیر
- ۵۰ - رضا حضرتی فعال مدنی
- ۵۱ - آرمین سورانی آبکنار فعال مدنی
- ۵۲ - مسعود زارع ازغندی فعال مدنی
- ۵۳ - عبدالرضا امانی فر فعال سیاسی
- ۵۴ - آرش تورانی فعال سیاسی
- ۵۵ - بهروز زارع زندانی سیاسی سابق
- ۵۶ - وحید قدیرزاده فعال مدنی
- ۵۷ - بهنام منصوریار فعال مدنی
- ۵۸ - نورا طباطبایی فعال مدنی
- ۵۹ - سید مجتبی موسوی فعال مدنی
- ۶۰ - اعظم محمدی فعال مدنی
- ۶۱ - آروز محمدی فعال مدنی
- ۶۲ - مهدی علی زاده فخرآبادی زندانی سیاسی سابق
- ۶۳ - فاطمه احمدی فعال مدنی
- ۶۴ - مریم شاهی فعال مدنی

ادامه از صفحه ۲۰

- ۶۵ - زهرا زارعی سراجی، زندانی سیاسی سابق
- ۶۶ - آذر هادزادی فعال مدنی
- ۶۷ - فرنوش اختری فعال مدنی
- ۶۸ - احمد رضایی فعال مدنی
- ۶۹ - کیوان رضایی فعال مدنی
- ۷۰ - پدرام شاهی فعال مدنی
- ۷۱ - مریم شاهی فعال مدنی
- ۷۲ - رضا جم فعال مدنی
- ۷۳ - داود گرشا سابی فعال مدنی
- ۷۴ - حسن گرشاسبی فعال مدنی
- ۷۵ - کیوان مهران فعال مدنی
- ۷۶ - شکوفه شکوری فعال مدنی
- ۷۷ - تابان تقی زاده فعال مدنی
- ۷۸ - سولماز منفرد فعال مدنی
- ۷۹ - آزیتا منفرد فعال مدنی
- ۸۰ - کیومرث منفرد فعال مدنی
- ۸۱ - کتی هادی زاده فعال مدنی
- ۸۲ - شهاب طباطبایی فعال مدنی
- ۸۳ - مهناز جلالی فعال مدنی
- ۸۴ - اکرم تنها فعال مدنی
- ۸۵ - بتول رسولی فعال مدنی
- ۸۶ - اکرم سنجابی فعال مدنی
- ۸۷ - رضاجمشیدی فعال مدنی
- ۸۸ - سجاد بابایی فعال مدنی
- ۸۹ - اقدس مافی فعال مدنی
- ۹۰ - مهناز رحیمی فر فعال مدنی
- ۹۱ - شهناز اسکندری فعال مدنی
- ۹۲ - عبدالله اسکندری فعال مدنی
- ۹۳ - حسن فرمانی فعال مدنی
- ۹۴ - مهدی جبباری فعال سیاسی
- ۹۵ - اصغر فتاحی فعال مدنی
- ۹۶ - نازنین فتاحی فعال مدنی
- ۹۷ - نیکو نیکوکار فعال مدنی
- ۹۸ - معصومه علی نژاد فعال مدنی
- ۹۹ - امیر علی نژاد فعال مدنی
- ۱۰۰ - سپیده مهران فعال مدنی
- ۱۰۱ - شهناز سرایی فعال مدنی
- ۱۰۲ - عباس غفاری فعال مدنی
- ۱۰۳ - علی جلیلی زندانی سیاسی سابق
- ۱۰۴ - سلیم بادبان فعال مدنی
- ۱۰۵ - سعید شرفی زندانی سیاسی سابق
- ۱۰۶ - ژینوس سرکانی فعال مدنی
- ۱۰۷ - ولی اله آقاجانی معاف فعال مدنی
- ۱۰۸ - محسن یزدی فعال مدنی
- ۱۰۹ - جمال سروی فعال سیاسی، عضو جبهه دمکراتیک
- ۱۱۰ - رافع رضایی فعال مدنی
- ۱۱۱ - سعید رضایی فعال مدنی
- ۱۱۲ - امین قدسی فعال مدنی
- ۱۱۳ - مجید قدسی فعال مدنی
- ۱۱۴ - محمد رضایی فعال مدنی
- ۱۱۵ - رضا کریمیان فعال مدنی
- ۱۱۶ - قاسم بهرامی فعال مدنی

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran) اینستاگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۷۴۲۵

اینجاست، ما را هم بازداشت کنید تا به دخترمان نزدیک تر باشیم.

در زندان اوین هر وقت از این کارهای خانواده‌ام عصبی می‌شدم آتنا دائمی مرا در آغوش می‌کشید و می‌گفت، بین سپیده دنیای پدرمادرها همین است، با عشق مبارزه می‌کنند و گاه با همان غلط‌های املایی‌شان در دل نوشته‌هایشان، با همان امیدهایشان، پیشروتر از همه‌ی ما، در صفوف مبارزه هستند. بعد باهم از دل‌تنگی‌های پدر و مادرمان گفتیم. از طبیعی‌ترین و حداقلی‌ترین حق‌شان که ملاقات با جگرگوشه‌شان است و از آن‌ها با بی‌رحمی تمام سلب شده گفتیم و گریه کردیم، گفتیم و بخاطر صبرمان و صبرشان خندیدیم.

سپیده قلیان

۷ جولای ۲۰۲۱



## دل‌تنگی‌های پدر و مادر

پدر و مادرم و طهورا و مهرا منتقل شدم، خانواده‌ام با وجود مسافت طولانی، هر هفته از خوزستان به تهران می‌آمدند. هر چقدر هم اصرار می‌کردم حداقل یک هفته در میان بیاید گوش‌شان به این حرف‌ها بدهکار نبود.

پدرم می‌گفت اگر دلت می‌خواهد من از دل‌تنگی بمیرم بگو که یک هفته نیایم.

زمانی که اهواز بودم وقتی مکان بازداشت از زندان اطلاعات به زندان اهواز تغییر پیدا کرد، تمام شب‌های عید

از زندان اهواز که به تهران منتقل شدم، خانواده‌ام با وجود مسافت طولانی، هر هفته از خوزستان به تهران می‌آمدند. هر چقدر هم اصرار می‌کردم حداقل یک هفته در میان بیاید گوش‌شان به این حرف‌ها بدهکار نبود.

پدرم می‌گفت اگر دلت می‌خواهد من از دل‌تنگی بمیرم بگو که یک هفته نیایم.

زمانی که اهواز بودم وقتی مکان بازداشت از زندان اطلاعات به زندان اهواز تغییر پیدا کرد، تمام شب‌های عید



انجمن خانواده‌های جانبختگان پرواز ps752 در ادامه‌ی فعالیت‌هایش در روز پنجشنبه پنجم آگوست برابر با چهاردهم مردادماه در شهر تورنتو راهپیمایی برگزار می‌کند.

از اتفاق این روز، روز صدور فرمان مشروطیت است که در جمهوری اسلامی و در وهن سال‌ها تلاش مدنی ایرانیان، روز تحلیف رییس‌جمهور جدید

**REPORTERS WITHOUT BORDERS**  
FOR FREEDOM OF INFORMATION

## گزارشگران بدون مرز

دفاع از آزادی اطلاع رسانی

همبستگی سازمان دانشجویان سوسیالیست آلمان SDS با اعتصابات کارگران نفت در ایران!

سازمان سوسیالیست آلمان موسوم به SDS در بیانیه خود از اعتصابات سراسری کارگران نفت در ایران حمایت کردند و با آنها اعلام همبستگی کردند. در بخشی از این بیانیه می‌خوانیم:

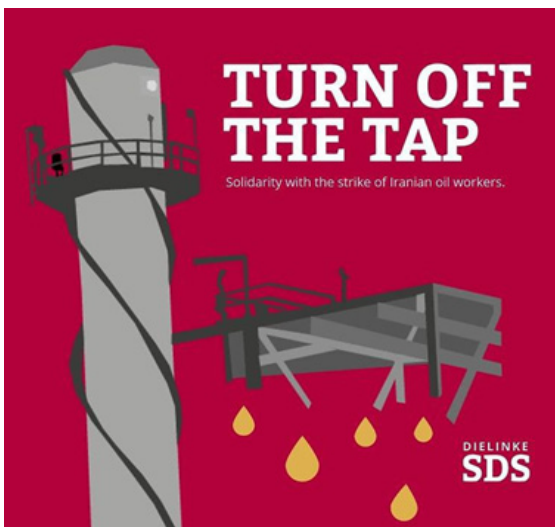
"... جنبش اعتصابی در صنعت نفت ایران با اهمیت اقتصادی در حال در هم شکستن زمین (اوضاع) است. تاکنون ارکستر "انتخابات" یک مضحکه تمام عیار بوده است. بر این اساس، مشارکت مردمی در انتخاب رئیس‌جمهور جدید، ابراهیم قالب بایکوت به پایین‌ترین سطح خود در تاریخ این انتخابات رسید. نام رئیسی از زمان قتل

می‌نویسد: شمار در سال‌های دهه شصت در اعدام روزنامه‌نگاران: اصغر امیریان، سیمون فرزامی، نصرالله آرمان، سعید سلطانیپور، رحمان هاتقی منفرد و... مسئولیت مستقیم داشته‌اید. شما در سال‌های دهه هفتاد با حمایت از ماموران وزارت اطلاعات، در قتل تعداد دیگری از روزنامه‌نگاران و روشنفکران، از این میان ابراهیم زال‌زاده، مجید شریف، محمد مختاری، محمد جعفر پوینده و پیروز دوانی، آمریت و مسئولیت داشته‌اید. این سازمان خطاب به خامنه‌ای به نام مجرمانی اشاره کرده است که از مجازات مصون مانده‌اند و به دست عدالت سپرده نشده‌اند و از سوی رهبر حتی ارتقا مقام یافته‌اند.

سازمان گزارشگران بدون مرز فهرست " دشمنان آزادی مطبوعات" را در فواصل زمانی مختلف از سال ۲۰۰۱ منتشر کرده است. در یک گزارش آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران نیز در فهرست این سازمان جزو ۱۰ رهبری است که آزادی مطبوعات را به شدت در کشورش سرکوب می‌کند.

این سازمان خامنه‌ای را متهم کرده بود که از آغاز انقلاب ۵۷ و به‌ویژه در دهه‌های بعد، در بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و ناپدید کردن صدها روشنفکر، روزنامه‌نگار و وب‌نگار مسئولیت داشته است.

این سازمان خطاب به خامنه‌ای



از این وضعیت برای سرپوش گذاشتن بر ستم قانونی و استثمار سرمایه داری خود استفاده کنند. همبستگی‌مان را با اعتصابات کارگران در مراکز نفتی ایران اعلام می‌کنیم! دانشگاه سنگر آزادی و برابری

هزاران عضو مخالف در سال ۱۹۸۸ مترادف با سرکوب خونین است."

در این بیانیه همچنین می‌خوانیم: «رژیم و سودجویان فاسد آن در ایران نمی‌توانند

## اطلاعیه های حزب

## کارگران ارکان ثالث در عسلویه دست به تجمع زدند

های مختلف تخصصی که عمدتاً بالای ۱۵ میلیون تومان است بر اساس توافق کارگران افزایش یابد. بعلاوه بر پرداخت بموقع دستمزدهایشان در هر ماه تاکید دارند. مطالبه فوری دیگر کارگران بازگشت به کار کارگران اخراجی و توقف اخراجها و بیست روز کار ده روز مرخصی است. ضمن اینکه کارگران پروژه ای پیمانی بر خواستههایی چون ایمن شدن محیطهای کار، بالا بردن استانداردهای زیستی و کاری در حد قابل قبول، پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار و حق تشکل و حق تجمع و اعتراض تاکید دارند، در عین حال بر این خواست پافشاری میکنند که دست پیمانکاران از محیط های کار کوتاه شود و وجود این دلایلهای مفتخور و زالو صفت و قوانین ویژه اقتصادی را دو عامل مهم تعرضات هر روزه به زندگی و معیشت خود میدانند.

از سوی دیگر حمایت ها و پشتیبانی ها از اعتصاب قدرتمند کارگران پیمانی در نفت ادامه دارد. آخرین نمونه ۵ کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در فرانسه به اسامی کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (CFDT)، کنفدراسیون عمومی کار فدراسیون سندیکایی (CGT)، فدراسیون سندیکایی متحد (FSU)، اتحاد سندیکایی همبستگی (Solidaires) و اتحاد ملی سندیکاهای خودگردان یا مستقل (UNSA) کارگری در فرانسه از مبارزات کارگران در ایران اعلام حمایت کرده اند. حزب کمونیست کارگری حمایت همه جانبه خود را از کارگران اعتصابی نفت و خواستها و مطالباتشان اعلام کرده و تلاش میکند صدای کارگران نفت در سطح جهان باشد.

حزب کمونیست کارگری ایران

16 تیر ۱۴۰۰، 7 ژوئیه ۲۰۲۱

ساعت ۷ صبح روز چهارشنبه ۱۶ تیرماه بخشهایی از کارگران و کارکنان ارکان ثالث و پیمانکاری شاغل در بخش های بهره برداری، تعمیر و نگهداری در مراکز مختلف پارس جنوبی در میدان کاکتوس عسلویه با خواست حذف پیمانکاری ها دست به تجمعی یکساعته زدند. در حالیکه کوتاه شدن دست پیمانکاران و افزایش حقوقها و پایان دادن به فضای امنیتی در نفت و امثال اینها خواسته های فوری همه بخشهای کارگری در صنعت نفت است، در این اعتراضات افرادی با بالا بردن عکس هایی از قاسم سلیمانی و خامنه ای بر روی بنر هایشان تلاش کردند که رنگ حکومتی به اعتراضات بر حق کارگران بدهد.

مدتی است که زرمه های اعتراض در میان کارگران ارکان ثالث جریان داشته است. اعتراض این کارگران به قراردادهای برده وار کاری است و در تجمع این روز کارگران با دست نوشته هایی که بر روی آن نوشته شده بود "حذف دست پیمانکاران" صدای اعتراضشان را به بساط چپاول و ستمگری پیمانکاران بلند کردند. کارگران ارکان ثالثی اعلام کرده اند که اگر پاسخ نگیرند وارد اعتصاب خواهند شد. همچنین زرمه های رفتن بسوی اعتصاب در میان کارگران قرارداد موقت نیز شنیده میشود. یک خواست سراسری کارگران نفت و یک بند مهم از خواسته های اعلام شده کارگران پروژه ای پیمانی که در اعتصاب بسر میبرند، کوتاه شدن دست پیمانکاران است.

هم اکنون اعتصاب دهها هزار کارگر پروژه ای پیمانی ادامه دارد در جاهایی پیمانکاران از کارگران خواسته اند که برای توافق بر سر میزان دستمزدشان مذاکره داشته باشند. کارگران اعلام کرده اند که باید هر توافقی رسمی، علنی و کتبی باشد تا مبنای سراسری برای همه بخش هایی باشد که وارد مذاکره میشوند. کارگران اعلام کرده اند که مزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد و دستمزد رده

## با گسترش اعتصاب در نفت اکنون

# ۹۰ مرکز نفتی

## در اعتصاب هستند

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

روز دوشنبه ۱۴ تیرماه ۱۰۰ نفر از کارگران پتروشیمی گچساران توسط شرکت تیام صنعت از شرکت های طرف قرارداد پتروشیمی گچساران اخراج شدند. این کارگران طی روزهای گذشته همزمان با کارگران پیمانکاری بسیاری از شرکت های وابسته به صنعت نفت، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به اعتراض زده بودند.

از سوی دیگر حمایت ها و پشتیبانی از اعتصاب قدرتمند کارگران پیمانی در نفت ادامه دارد. آخرین نمونه حمایت اتحادیه کارگران پاکستان از اعتصابات این کارگران است. حمید خان دبیر این اتحادیه طی پیامی به مشترک بودن مبارزات کارگران در مقابل سیستم سرمایه داری و لزوم اتحاد کارگری اشاره کرده و بر حمایت از خواستها و مبارزات کارگران اعتصابی نفت تاکید میکند. حزب کمونیست کارگری حمایت همه جانبه خود را از کارگران اعتصابی نفت و خواستها و مطالباتشان اعلام کرده و بر بازگشت به کار تمامی کارگران اخراجی تاکید میکند. صدای کارگران نفت در سطح جهان باشیم.

بدین ترتیب در حالیکه اعتصاب دهها هزار نفر از کارگران پروژه ای پیمانی در پتروشیمی های، پالایشگاهها و مراکز مختلف نفتی ادامه دارد، پیمانکاران در جاهایی با پیشنهادهای جلو آمده اند تا به اعتصاب کارگران خاتمه دهند. پاسخ کارگران این است که هر گونه پیشنهادی باید رسمی و کتبی باشد و علنی اعلام گردد. همچنین علاوه بر خواست افزایش دستمزدها در سطوح مختلف تخصصی و اینکه دستمزد هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون باشد و نیز خواست بیست روز کار و ده روز مرخصی، کارگران بر پرداخت بموقع و سر موعده دستمزدها تاکید دارند. بعلاوه با توجه به اخراج هایی که در این مدت صورت گرفته است یک تاکید آنها بازگشت به کار همکاران اخراجی شان است. مطالبه دیگر ایمن شدن محیط های کار و بالا بردن استانداردهای زیستی و کاری در حد قابل قبول است. کوتاه شدن دست پیمانکاران، لغو قوانین برده وار مناطق ویژه و پایان دادن به امنیتی کردن محیط های کار یک قدم مهم در مقابله با هر نوع تعرضی به کارگران نفت است.

اخبار نفت، ویژه اعتصابات سراسری: شماره ۱۹

در چند روز اخیر کارگران پیمانکاری و پروژه ای شاغل در مراکز مختلفی به اعتصاب سراسری کارگران نفت پیوستند. از جمله روز دوشنبه ۱۴ تیرماه کارگران شاغل در نیروگاه برق زرد کرمان به صورت جمعی به اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای پیمانی نفت پیوستند. همچنین روز شنبه ۱۲ تیرماه کارگران جوشکار شرکت شیمبار شاغل در ۴ کارگاه در طول خط لوله انتقال نفت تیران و روز ۱۳ تیر کارگران پیمانکاری پالایشگاه جفیر به اعتصاب سراسری کارگران نفت پیوستند. در همین چند روز همچنین کارگران جوشکار شاغل در نیروگاه بیدخون، نیروهای پیمانکاری های سلطانی و حیدری شاغل در خط ۶۴ اینچ، بخشی از کارگران شرکت نیرو گستر میناب، کارگران شرکت دریا ساحل خط انتقال رشت آستارا به اعتصاب سراسری کارگران پروژه ای نفت پیوسته اند. هم اکنون نزدیک به ۹۰ مرکز نفتی در اعتصابند و عسلویه کاملاً تعطیل است.

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۳۳

## کارگران ارکان ثالث در عسویه دست به تجمع زدند

روز گذشته اسدالله اسدی، دیپلمات جمهوری اسلامی در اتریش به جرم برنامه ریزی برای بمب گذاری در گردهمایی مجاهدین در دادگاهی در بلژیک به ۲۰ سال زندان محکوم شد. این خبر را وکلای او اعلام کرده اند و گفته اند که او تقاضای فرجام خواهی نخواهد کرد. مقامات دولت بلژیک تاکید کرده اند که آنها با هرگونه معامله این تروریست و مبادله با گروهان های جمهوری اسلامی مخالفند و اجازه نخواهند داد که او مبادله شود. دادگاه بلژیک نیز تاکید کرده است که این تروریست حکومت اسلامی نباید مبادله شود.

و این امر موفقیتی بزرگ برای اپوزیسیون سرنگونی طلب جمهوری اسلامی محسوب میشود.

محکومیت این تروریست بعد از بی نتیجه ماندن تلاش های جواد ظریف و پیشنهاد مبادله از جانب وزارت اطلاعات انجام گرفت و دولت بلژیک امکان مبادله را منتفی اعلام کرد. در تمام طول حاکمیت این نظام تروریستی و ضد بشری در ایران ما با صدای رسا اعلام کردیم که سفارت خانه های این رژیم در اروپا مراکز جاسوسی و ترور هستند و باید بسته شوند! اعلام کردیم که بایکوت رژیم پاسخ تروریسم، جاسوسی و جنایات فجیع رژیم اسلامی است و نه سازش و معامله و زدوبند!

ما همچنان اعلام میکنیم که همدوش با میلیونها زن و مرد و پیر و جوان در ایران و جهان برای بایکوت جهانی جمهوری اسلامی که گامی مهم در جهت سرنگونی این حکومت است، ادامه خواهیم داد.

سرنگون باد حکومت  
جنایتکار اسلامی در ایران!

کمیته خارج کشور حزب  
کمونیست کارگری ایران  
۵ مه ۲۰۲۱

## لیست همبستگی ها با کارگران اعتصابی نفت:

- بیانیه های حمایتی کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه

- بیانیه های حمایتی مستقل و یا جمعی تشکلهای مختلف کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت تپه، اتحاد بازنشستگان، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای

- اعلام همبستگی رانندگان نفتکش در تهران

- همبستگی کارگران حمل و نقل از با کارگران نفت و اعلام آمادگی به پیوستن به اعتصاب در صورت پاسخ نگرفتن خواسته های کارگران

- همبستگی رانندگان کامیون دهلران و رانندگان نفتکش در اصفهان و کامیونداران یزد

کارگری، سندیکای فلزکار مکانیک، سندیکای نقاشان البرز، کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان و سروآباد ... و

- بیانیه های مستقل و یا جمعی و تشکلهای گروه هایی از معلمان، بازنشستگان، فعالین دفاع از حقوق زن، فعالین دفاع از حقوق کودک و دانشجویان از جمله شورای بازنشستگان ایران، کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، کانون صنفی معلمان ایران، الیگودرز، گیلان، سقز و زیویه)، مریوان، ندای زنان ایران، و دانشجویان پیشتاز اصفهان، انجمن صنفی با اعتراضات کارگران نفت اعلام همبستگی کرده اند.

- همبستگی مادران و خانواده های دادخواه از جمله گوهر عشقی مادر ستار بهشتی که بدست جانبان اسلامی به قتل رسید و مادران آبانماه از جمله مادر نوید بهبودی، مهرزاد رضایی و مادر رضا معظمی گودرزی

همچنین طومارهای اعتراض از سوی فعالین کارگران در سنج و نیز در آذربایجان غربی

- بیانیه ها و پیامهای حمایت فعالین کارگری ای چون اسماعیل بخشی، جعفر عظیم زاده، جوانمیر مرادی و فوزیه خالصی

- جمع ها و گروه هایی از مردم از میان کولبران، کارگران بیکار، فعالین دفاع از حقوق کودک، فعالین دفاع از حقوق زن و دانشجویان.

- 5 کنفدراسیون اتحادیه های کارگری در فرانسه: کنفدراسیون فرانسوی دمکراتیک کار (CFDT)، کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، سندیکایی متحد (FSU)، اتحاد سندیکایی همبستگی (Solidaires)، اتحاد ملی سندیکاهای خودگردان یا مستقل (UNSA)، اتحادیه کارگران پاکستان

- شورای اتحادیه های صنفی استرالیا (ACTU)

- اتحادیه عمومی کارگران بخش نفت و گاز عراق،

- نامه دبیر اتحادیه یونیفور کانادا به حسن روحانی

- شبکه سراسری نمایندگان محل کار انگلستان (NSSN)

- فدراسیون بین المللی پتروشیمی اینداستریال

- شبکه بین المللی سندیکایی همبستگی و مبارزه مشتمل از دهها اتحادیه و تشکل و زیر مجموعه از کشورهای مختلف از آمریکا، اروپا، آفریقا و عراق. ترکیه و ..

- شعار نویسی در شهرهای مختلف در حمایت از کارگران نفت و نصب پوسترهایی در خیابان های اردبیل در حمایت از کارگران و اعتصاب سراسری کارگران نفت



در میان کارگران و ناروشنی در نقشه کارمان است. کارفرمایان و مسئولین به انواع مختلف تلاش می کنند و یا خواهند کرد که در میان کارگران دو دستگی و یا چند دستگی به وجود بیاورند و سپس با دادن حداقل امتیاز به بخشی از کارگران و ترغیب آنان به بازگشت به سر کار، بخش بزرگی از ما را وادار به بازگشت به کار کنند. باید در مقابل آن هوشیار باشیم.

- برخورد جمع ها و کسانی مانند اداره کنندگان گروه تلگرامی "کاریابی پایینگ" و کانال مطالبه گری ارکان ثالث با ماکارگران مثل مثل برخورد فرمانده به سربازان است و به ما امر و نهی میکنند و به سهولت حاضرند که زمینه های پایان اعتصاب را با کمترین امتیاز گیری اعلام کنند. برای همین کمپین شان کمپین تخلیه سراسری

با توجه به گستردگی و فراگیر شدن اعتصاب، پیوستن اکثر مراکز کارگری به این اعتصاب و حمایت هایی که تا به حال از آن صورت گرفته، ما امروز در موقعیت بسیار خوبی برای رسیدن به بخش های مهمی از خواسته های خود قرار داریم. با اعتصابات گسترده ما تا همین جا فشار سنگینی بر روی پیمانکاران چپاولگر وارد شده است و کار به جایی رسیده است که منافع همه شان ایجاب میکند که زودتر اعتصاب تمام شود.

- روشن است که باید در مورد نتیجه اعتصاب و رسیدن به خواسته هایمان و اینکه در چه شرایطی پای مذاکره میرویم چاره جویی کنیم. ولی باید از هر اقدام عجولانه و یا پیش گذاری زود هنگام برای مذاکره، خود داری کرد.

- خطر اصلی ای که اعتصاب سراسری ما را تهدید می کند ایجاد تفرقه و چند دستگی



ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۴

تشکلهای و همه مردمی که از اعتراضات و خواستههای بحق ما پشتیبانی کردند سپاسگزاری میکنیم. یک وظیفه فوری ما همکاری گام به گام با هر تشکل و نهادی است که در راستای منافع کارگران اعتصابی و سراسری کردن این اعتصاب هستند. تاکید ما بر اتحاد و همبستگی کارگری است. به امید پیروزی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

پنجشنبه ۱۷م تیر ۱۴۰۰

در پایان از همه کارگران و

قرار دادن پیمانکاران و ایجاد زمینه برای برچیده شدن بساط آنهاست. ما با پافشاری بر خواسته هایمان میتوانیم عرصه را بر پیمانکاران تنگ کنیم و اعلام میکنیم که همین امروز دولت باید ناظر اجرای همه توافقاتی باشد که در مذاکرات با کارفرمایان صورت میگیرد.

ما اعلام میکنیم که همین امروز دولت باید ناظر و تضمین کننده اجرای همه توافقاتی باشد که در مذاکرات با کارفرمایان صورت میگیرد.

از بالای سر کارگران را قبول نمیکنیم و به رسمیت نمی شناسیم. تصمیمات گرفته شده بین مذاکره کنندگان و کارفرمایان و پیمانکاران در صورتی رسمیت پیدا میکند که به اطلاع کارگران رسانده شود و مورد تایید آنها قرار گیرد.

اولین مذاکرات و یا توافق و یا تصمیم گیری احتمالی بین کارگران و کارفرمایان در چند شرکت پیمانکاری مهم هستند و میتواند مبنایی برای مذاکرات در شرکت های دیگر نیز باشد. بنابراین در این مورد باید دقت کرد. چون با اعلام اولین توافقات بصورت علنی و احتمالاً بازگشت به کار کارگران در این شرکت ها، عملاً مسیر و سرنوشت اعتصاب تعیین میشود و این توافقات برای باقی شرکت ها الگو خواهد بود. بسیار مهم است که در این مورد ابتکار عمل را به دست بگیریم و سعی کنیم خواست های اولیه و فوری خود را به روشنی و بطور شفاف اعلام و مبنای مذاکره با پیمانکاران قرار دهیم.

با توجه به اینکه کارگران اعتصابی در عسلویه و کنگان، کمپ ها را ترک کرده اند، انتخاب نماینده و یا مجمع نمایندگان از سوی کارگران برای مذاکره با کارفرمایان در محل ممکن نیست. فوراً در این مناطق گروههای تلگرامی خود را درست کنیم و کاندید بدهیم و هر کس خودش کاندید شود و نمایندگان خود را انتخاب کنیم. این حق ماست. جمع شدن در یک گروه و صحبت کردن بر سر خواسته هایمان و انتخاب نمایندگان واقعی خود کار خلافی نیست و این حق ماست و باید دست به کار آن شویم تا بتوانیم خواسته هایمان را پیگیری کنیم.

## بیانیه متخصصین ویژه سازمان ملل در رابطه با وضعیت زندانیان سیاسی در ایران و خواست توقف دستگیری و صدور احکام طویل المدت برای فعالین در ایران



دفاع کنید. متن ترجمه شده نامه و لینک نامه را می توانید در سایت ما مشاهده نمایید.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

هشتم جولای ۲۰۲۱ برابر با هفدهم تیر ماه ۱۴۰۰

www.cfppi.org

محمد نجفی و در رابطه با فعالین حقوق زنان به نرگس محمدی، مژگان کشاورز، منیره عربشاهی، یاسمن آریانی و صبا کردافشاری و همچنین به مادران راحله احمدی و فرنگیس مظلوم نیز اشاره کرده است.

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با تلاش وسیع، سعی میکند وضعیت زندانیان سیاسی را در سطح بین المللی منعکس کند و از شما مدافعین آزادی زندانیان سیاسی دعوت میکند تا از هر طریق ممکن از زندانیان سیاسی و خانواده هایشان

روز ششم جولای ۲۰۲۱ برابر با پانزدهم تیر ماه ۱۴۰۰، ماری لاولور گزارشگر ویژه سازمان ملل بر شرایط مدافعان حقوق بشر طی یک بیانیه، ضمن ابراز نگرانی از برخورد جمهوری اسلامی با فعالین عرصه های مختلف و خانواده هایشان، به موارد زیادی از جمله به صدور احکام طویل المدت، پرونده سازی، محرومیت زندانیان از درمان و شرایط نامناسب نگهداری، تبعید زندانیان و سیستماتیک بودن دستگیریها اشاره کرد. در این بیانیه ایشان از جمله به زندانیانی مانند سهیل عربی، نسرین ستوده، اسماعیل عبدی و

-- افزایش دستمزدها بر اساس ارقام پیشنهادی ما برای رده های مختلف تخصصی و اینکه هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون مزد بگیرد، دائمی شدن قراردادهای کاری و داشتن امنیت شغلی، پرداخت بموقع دستمزدها در هر ماه، ایمن شدن محیط های کار و تجهیز مراکز کاری و کمپ ها به دستگاههای تهویه هوا، بهبود اساسی وضعیت کمپها و اماکن عمومی دیگر همچون دستشویی ها و حمام ها و اختصاص غذا خوردی مناسب برای کارگران در تمام کمپ ها، ایجاد امکانات درمانی در محیط های کار و برخورداری کارگران از بیمه درمان رایگان، خطوط پایه ای توافقات سراسری ما کارگران در مذاکراتمان خواهد بود. خواست اساسی ما برچیده شدن بساط پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی است و تحمیل این مطالبات به معنای زیر فشار

یک راه حل برای حفظ اتحاد تعیین خواستههای واحد است که هر جا مذاکره ای شد به کمتر از آن رضایت ندهیم و الگویی سراسری برای همه بخشها باشد. ضمن اینکه همین الان در گام نخست می توان کارفرمایان را زیر فشار قرار داد که موضع خود را نسبت به خواستههای کارگران با شفافیت و بطور کتبی و علنی اعلام کنند (همانطور که در بیانیه ۵ شورای سازماندهی گفته شده). بر اساس آن ما هم تصمیم متحد خودمان را اعلام خواهیم کرد.

ما مذاکرات پشت پرده و

## ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۲۵



حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

بدنبال تشکیل پلنوم ۵۳ کمیته مرکزی، دفتر سیاسی منتخب پلنوم ۱۱ نفر را بعنوان هیات اجرائی حزب انتخاب نمود که عبارتند از:

کیان آذر، محسن ابراهیمی، سیما بهاری، سیامک بهاری، شهلا دانشفر، بهرام سروش، شیرین شمس، حسن صالحی، اصغر کریمی، خلیل کیوان، نسان نودینیان  
اصغر کریمی نیز به اتفاق آرای اعضای هیات اجرائی به ریاست این هیات برگزیده شد.  
به همه رفقا تبریک میگویم و برایشان آرزوی موفقیت میکنم.

حمید تقوایی

دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

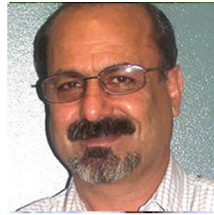
۱۷ تیر ۱۴۰۰، ۸ ژوئیه ۲۱



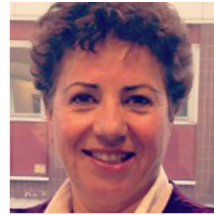
بهرام سروش



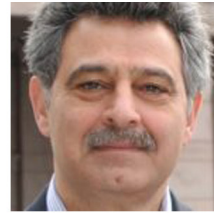
شهلا دانشفر



محسن ابراهیمی



سیما بهاری



سیامک بهاری



کیان آذر



نسان نودینیان



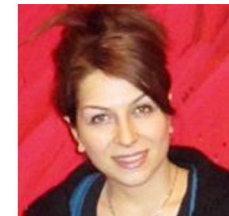
خلیل کیوان



اصغر کریمی



حسن صالحی



شیرین شمس

در مبحث انتخاب دبیر کمیته مرکزی، حمید تقوایی کاندید و به اتفاق آرا به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد و بدنبال آن ۲۵ نفر به عنوان دفتر سیاسی انتخاب شدند که عبارتند از: کیان آذر، محسن ابراهیمی، مینا احدی، عبدالله اسدی، سیامک بهاری، سیما بهاری، شهاب بهرامی، فاتح بهرامی، آذر پویا، امیر توکلی، کیوان جاوید، شهلا دانشفر، بهرام سروش، محمد شکوهی، شیرین شمس، مصطفی صابر، حسن صالحی، جمیل فرزنان، اصغر کریمی، خلیل کیوان، عبدال گلپریان، شیوا محبوبی، نسان نودینیان، سمیر نوری و کاظم نیکخواه.

پس از انتخاب دفتر سیاسی توسط پلنوم، برای ریاست دفتر سیاسی کاندیدگیری شد. مصطفی صابر کاندید شد و در انتخاباتی که در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۱ در دفتر سیاسی برگزار گردید به عنوان رئیس دفتر سیاسی منتخب پلنوم ۵۳ انتخاب شد. پلنوم در فضایی پرشور و با سخنرانی اختتامیه توسط حمید تقوایی به پایان رسید.

۲۴ خرداد ۱۴۰۰، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۱

حزب کمونیست کارگری ایران



آذر پویا



فاتح بهرامی



شهاب بهرامی



سیما بهاری



سیامک بهاری



عبدالله اسدی



مینا احدی



محسن ابراهیمی



کیان آذر



جمیل فرزنان



حسن صالحی



مصطفی صابر



شیرین شمس



محمد شکوهی



بهرام سروش



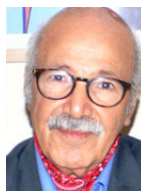
شهلا دانشفر



کیوان جاوید



امیر توکلی



کاظم نیکخواه



سمیر نوری



نسان نودینیان



شیوا محبوبی



عبدال گلپریان



خلیل کیوان



اصغر کریمی